



میدری زیر فشار

مجلس سراغ استیضاح وزیر کار رفت



پزشکیان در نیویورک

رئیس جمهور در سازمان ملل



مرگ در غربت

سیروس ابراهیم‌زاده درگذشت

۲
ایران

مأموریت تاریخی

پیام رهبری به مناسبت
بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها

سرمقاله

فرصت‌سازی از بحران

تنش‌زدایی خارجی بدون اصلاح داخلی
به نتیجه پایدار نمی‌رسد

محمد عطریان‌فر

عضو شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل
حزب کارگزاران سازندگی ایران

آینده ایران را نمی‌توان براساس یک رخداد نظامی یا یک توافق سیاسی پیش‌بینی کرد. آینده کشور حاصل برآیند مجموعه‌ای از عوامل است؛ وضعیت اقتصاد، میزان انسجام اجتماعی، کیفیت حکمرانی، روابط خارجی و مهم‌تر از همه، میزان اعتماد مردم به ساختار تصمیم‌گیری. ایران امروز هم با تهدیدهای جدی مواجه است و هم فرصت‌هایی در اختیار دارد و نحوه استفاده از این فرصت‌ها به توان کشور در تقویت همزمان ظرفیت‌های داخلی و خارجی بستگی دارد. در شرایط کنونی، «میدان» و «دیپلماسی» نباید دو مسیر متضاد تلقی شوند. کشوری که تنها به میدان تکیه کند، ممکن است در کوتاه‌مدت بازدارندگی ایجاد کند اما در بلندمدت با هزینه‌های اقتصادی و سیاسی بیشتری روبرو خواهد شد. از سوی دیگر، دیپلماسی بدون پشتوانه قدرت میدان نیز ممکن است به توافقی شکننده و نابرابر منجر شود. هنر سیاست خارجی، ایجاد توازن میان این دو ظرفیت است؛ قدرت میدان باید مانع تحمیل اراده دیگران شود و دیپلماسی باید بتواند این قدرت را به دستاوردی پایدار تبدیل کند. تگه هرمز یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های این معادله است. جغرافیا را نمی‌توان با فشار سیاسی تغییر داد و بخش قابل‌توجهی از انرژی جهان همچنان از این آبراه عبور می‌کند. همین واقعیت به ایران موقعیتی ژئوپلیتیکی می‌دهد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. استفاده مسئولانه از این ظرفیت می‌تواند، قدرت چانه‌زنی ایران را افزایش دهد اما تبدیل آن به ابزار دائمی تنش، هزینه‌های اقتصادی و سیاسی سنگینی برای ایران و منطقه خواهد داشت. باب‌المندب و دریای سرخ نیز در امنیت انرژی و تجارت جهانی اهمیت دارند و جایگزین کردن کامل مسیر راهبردی هرمز آسان و کم‌هزینه نیست. در چنین شرایطی، تداوم سیاست تنش‌زدایی با افزایش توان مقاومت و ایستادگی در میدان، منافاتی ندارد. ریزنی با عمان، عراق و دیگر کشورهای منطقه می‌تواند به کاهش سوء تفاهم‌ها کمک کند و توافقی‌های کوچک و مرحله‌ای نیز گاهی از یک توافق بزرگ مؤثرترند زیرا امکان اعتمادسازی تدریجی را فراهم می‌کنند. هر توافقی باید از منافع ملی دفاع کند و برای افکار عمومی قابل توضیح باشد. همواره نباید از نظر دور داشت که سیاست خارجی‌ای که موفق باشد، امنیت، منافع اقتصادی و اعتبار بین‌المللی کشور را همزمان تقویت می‌کند. پرونده یمن نیز می‌تواند از میدان رقابت به میدان همکاری تبدیل شود. عربستان به تجربه دریافته است که بحران یمن، راه‌حل نظامی ندارد و ایران نیز به محیط منطقه‌ای کم‌تنش‌تر نیاز دارد. اگر ایران از ارتباطات و نفوذ خود برای تشویق بازیگران یمنی به گفت‌وگوی سیاسی، تشکیل ساختار حکمرانی فراگیر و کاهش تنش‌های منطقه‌ای استفاده کند، نفوذ خود را به سرمایه‌ای دیپلماتیک تبدیل کرده است. تهران و ریاض در بسیاری از مسائل رقیب هستند اما این رقابت به‌معنای دشمنی دائمی نیست. هر دو کشور از ناامنی گسترده منطقه آسیب می‌بینند و به ثبات اقتصادی و امنیت انرژی نیاز دارند. در داخل نیز اختلاف سیاسی زمانی به مسئله‌ای جدی تبدیل می‌شود که از رقابت سالم عبور کند و به دوقطبی‌سازی، تخریب سرمایه اجتماعی و تضعیف منافع ملی برسد. انسجام به‌معنای حذف نقد نیست. دولت باید پاسخگوی عملکرد خود باشد و مخالفان نیز حق نقد دارند اما نقد سازنده باید با راه‌حل همراه باشد. رسانه‌ها نیز نباید بلندگوی هیچ جناحی باشند؛ جامعه بیش از تشدید هیجان سیاسی به اطلاعات دقیق نیاز دارد. راه عبور از شرایط فعلی، تنش‌زدایی در خارج، اصلاح و کارآمدی در داخل و افزایش اعتماد و مشارکت در جامعه است. مشارکت فقط حضور در انتخابات نیست؛ صدای مردم و مطالبات آنان باید شنیده شود. دولت و نهادهای تصمیم‌گیر باید درباره چرایی تصمیم‌های مهم، هزینه‌ها و پیامدهای آنها صادقانه با مردم گفت‌وگو کنند. احزاب، نهادهای مدنی و رسانه‌های مستقل و حرفه‌ای نیز باید امکان ایفای نقش واقعی در انتقال مطالبات جامعه را داشته باشند. ایران اگر بتواند از این بحران درس بگیرد، نهادهای خود را تقویت کند و میان قدرت، دیپلماسی، اصلاح داخلی و مشارکت اجتماعی پیوند برقرار کند، می‌تواند بحران را مدیریت کرده و از آن عبور کند و به سمت ساختن نظم جدید منطقه‌ای حرکت نماید. بحران زمانی می‌تواند به فرصت تبدیل شود که کشور از آن برای تقویت اعتماد عمومی، کارآمدی نهادها و ثبات پایدار استفاده کند.

در ستایش اعتراض

ایزابلا جاویدان، فعال مدنی ایرانی-آمریکایی، هنگام سخنرانی اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا در کمیته خدمات مالی مجلس نمایندگان، به تحریم‌های اقتصادی آمریکا علیه مردم ایران اعتراض کرد و در مقابل دوربین‌های تلویزیونی گفت: ترامپ به‌دنبال گرسنگی مردم ایران است

سازندگی به این بهانه به بررسی این موضوع پرداخته است که

چرا جامعه مدنی ایران، اعم از؛ تشکل‌های کارگری، سازمان‌های مردم‌نهاد و چهره‌های مهم ملی در قبال محاصره دریایی، تحریم هوایی، فشارهای بی‌امان اقتصادی و ... سکوت کرده‌اند؟



سعید مشهوری

گروه اقتصاد

در روزهایی که اخبار جنگ، تحریم و بحران‌های اقتصادی به بخشی از زندگی‌مان تبدیل شده، صدای اعتراض یک زن ایرانی‌تبار در کنگره آمریکا توجه بسیاری را به‌خود جلب کرده است. ایزابلا جاویدان، فعال ایرانی‌آمریکایی روز ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۶ هنگامی که اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، در کمیته خدمات مالی مجلس نمایندگان این کشور سخن می‌گفت به همراه چند فعال دیگر به سیاست تحریم اقتصادی ایران و کوبا اعتراض کرد. او در برابر دوربین‌ها و نمایندگان کنگره، خود را یک ایرانی‌آمریکایی معرفی کرد و مخالفت‌اش را با تحریم‌هایی اعلام کرد که به گفته او، مردم ایران و کوبا را گرسنه می‌کند. این اعتراض، بخشی از اقدام مشترک فعالان شورای ملی ایرانیان آمریکا، سازمان ضدجنگ کدپینک و شماری از فعالان کوبایی‌آمریکایی بود که سخنان وزیر خزانه‌داری را چندین بار قطع کردند. صرف‌نظر از موافقت یا مخالفت با شیوه اعتراض این فعالان اقدام ایزابلا جاویدان، پرسشی مهم را پیش روی جامعه ایران قرار می‌دهد. اینکه چرا صدای اعتراض به تحریم‌هایی که زندگی میلیون‌ها ایرانی را تحت‌تأثیر قرار داده از داخل کشور کمتر به گوش می‌رسد؟ چگونه است که یک زن ایرانی‌تبار در واشنگتن در برابر وزیر خزانه‌داری آمریکا می‌ایستد و درباره رنج مردم ایران سخن می‌گوید اما بسیاری از تشکل‌های اقتصادی، صنفی و مدنی داخل کشور در برابر فشارهایی که زندگی اعضای خود را دشوار کرده، موضعی روشن و مستقل اتخاذ نمی‌کنند؟ این پرسش فقط درباره تحریم نیست. در سال‌های گذشته، جامعه ایران با مجموعه‌ای از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی مواجه بوده است که هر کدام از این بحران‌ها می‌تواند، موضوع فعالیت دهها نهاد مدنی و صنفی باشد. با این حال آنچه در فضای عمومی بیشتر دیده می‌شود، واکنش‌های فردی، اعتراض‌های پراکنده و موضع‌گیری رسانه‌هاست نه حضور مستمر و سازمان‌یافته نهادهای مدنی. پرسش این است که آیا جامعه مدنی ایران به رنج عادت کرده است؟ آیا تشکل‌ها، توانایی نمایندگی منافع اعضای خود را از دست داده‌اند؟ یا باید ریشه این سکوت را در محدودیت‌های ساختاری، فرسودگی سازمانی و کاهش اعتماد عمومی جست‌وجو کرد؟

ادامه در صفحه ۶





مأموریت تاریخی

پیام رهبری به مناسبت
بازگشایی مدارس و دانشگاه‌ها

رهبر انقلاب در پیامی به مناسبت آغاز سال تحصیلی، دانش‌آموزان و دانشجویان را به کسب علم، تقوا، امید و مهارت فراخواندند و بر نقش آنان در پیشرفت ایران و صیانت از هویت ملی تأکید کردند. در متن پیام آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای آمده است:

طلیحه سال نو تحصیلی و بازگشایی خانه‌های علم و ادب در مدرسه و دانشگاه، نویدبخش نشاط، امید و حرکت پرشتاب ملت به‌سوی آینده‌ای روشن و شکوهمند می‌باشد. آینده‌ای که تحقق آن در دستان توانمند فرزندان عزیز ایران و تربیت‌یافتگان مکتب اسلام و انقلاب اسلامی است. همان نسلی که بارها خمینی کبیر و خامنه‌ای عظیم‌الشان شهید اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف، امید خود به ایشان را بیان کردند. اینک که دروازه سال تحصیلی تازه‌ای بر روی خیل عظیم دانش‌آموزان و دانشجویان گشوده می‌شود و رافِکُردان علم و حکمت با امید به توفیق الهی، دورای جدید از کسب دانش و معرفت و مهارت را آغاز می‌کنند، شایسته است هم‌وا با مادران و پدران داغدار، بار دیگر یاد دانش‌آموزان شهید شده در جنگ تحمیلی اخیر را گرامی بداریم. امسال روزهای خاطره‌ساز ابتدای سال تحصیلی برای ما غمی از فراق فرزندان سفرکرده‌مان را تازه می‌سازد. در مدارس و دانشگاه‌ها جای خالی بعضی از دانشجویان و اساتید و معلمان حس خواهد شد و این اندوه، ذهن ما را به شمت صبح منازعه بین خیر و شر و جنگ بین حق و باطل راهنمایی خواهد کرد.

مسئولیت امروز دانش‌آموزان و دانشجویان، سعی در مجهز شدن به علم و تقوا، امید و اخلاق و دانایی و توانایی و زودودن پرده‌های جهل و تاریکی است تا آنگاه که با شکستن مرزهای دانش و فتح قله‌های پیشرفت‌ساز آن، مأموریت تاریخی خود در جهت اعتسای ایران اسلامی را به انجام برسانند. این مهم در جایی صورت می‌گیرد که خانه دوم ایشان به‌شمار می‌آید. از این‌رو به این عزیزان عرض می‌کنم که لازم است همواره از حرم‌های آن به بهترین شکل صیانت نمایند و با ارتقاء هرچه بیشتر سطح آگاهی و بینش و تعالی رفتارها و منش‌هایتان، آن را کانون پیشرفتگی وطن خود بنمایند. از فرصت حضور چند ساله در این مأمِن دانش و ادب و نشاط و امید برای خودافزایی هرچه بیشتر بهره بگیرید؛ خودافزایی در مهم‌ترین عنصر حیات انسان که ارتباط با خالق متعال است و خودافزایی در ارتباط با هم‌نوغان و هم‌وطنان و خانواده؛ و خودافزایی در زمینه کسب دانش و به‌دست آوردن انواع مهارت‌ها.

در این مدت، درست فکر کردن و ابتکار ورزیدن را تمرین کنید و همواره پاسدار ریشه‌های هویت ملی و عزت و استقلال فرهنگی خود و زبان مادری و پرچم مقدس نظام اسلامی و سایر نمادهای آن باشید. به‌زودی نوبت آن می‌رسد که نقش مناسب خود را در جامعه بیایید که در آن موقع با انجام آن به بهترین شکل، خود و کشور خود را سربلند خواهید ساخت. اکنون در روزگاری که توحش نظام سلطه خصوصاً دولت جنایتکار آمریکا و نظام جعلی صهیونی بیاد می‌کند، قدرت برآمده از دانش همراه با تقوا و اخلاق، چونان سپری پولادین و شمشیری بران است که دستان متجاوز آنان را از سر بشريت کوتاه می‌سازد. اکنون شما در کلاس‌های درسی حاضر می‌شوید که نسل‌هایی که اندکی پیش از شما بر روی نیمکت‌های دوست‌داشتنی آن نشسته بودند اینک در انواع جبهه‌های دفاع از وطن و شرف برای ایران اسلامی، عزت و اقتدار خلق می‌کنند و همان‌ها اسوه و چراغ راه شما خواهند بود؛ همچنان که پیش از آنان کسانی در همین کلاس‌ها بودند که اسوه‌های فداکاری و نشان‌های عظمت کشور و اسطوره‌های بزرگی و بزرگواری به‌شمار می‌روند.

کلام آخر در مورد معلمان و اساتید است. ما همه وامدار معلمان خود در هر مقطعی از دوره تحصیلی هستیم. این قشر عزیز و محبوب که اغلب با خالص‌ترین عواطف شاگردان‌شان مواجه می‌شوند، شایسته آن هستند که در مجامع و زمان‌های مختلف مورد تکریم همگان باشند. مناعت و قناعتی که نوعاً در ایشان مشاهده می‌شود، مسئولین امر را نسبت به وضع فعلی معیشت ایشان قانع نمی‌سازد و ان‌شاءالله با برنامه‌ریزی حکیمانه، برای بهبود آن تلاش مؤثری به‌عمل خواهند آورد؛ خصوصاً اینکه این مقوله فراتر از انجام وظیفه‌ای قانونی، امری است که از دل برمی‌خیزد.

سلام و رحمت و برکت خداوند بر اساتید، معلمان، دانشجویان و دانش‌آموزان شهید جنگ تحمیلی سوم و در رأس آنان رهبر حکیم و مربی عظیم‌الشان شهیدمان اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف که حق بزرگی بر شتاب چشمگیر دانش در کشور داشتند؛ و سیاس از همه مربیان، معلمان و اساتید عرصه علم و دانش و دین؛ و تبریک و خوشامد به تکتک دانش‌آموزان و دانشجویان خوش‌عاقبت ملت ایران؛ و امید که با دعای پُر یمَن سرورمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف در دستیابی به قله‌های علم و ادب و پیشرفت، هر چه موفق‌تر باشند، ان‌شاءالله.

میدری زیر فشار

توضیحات وزیر کار، نمایندگان را قانع نکرد؛ مجلس سراغ استیضاح رفت



عاطفه شمس

گروه سیاسی

احمد میدری یک قدم دیگر به صحن علنی مجلس نزدیک شد. جلسه چهار ساعته کمیسیون اجتماعی برای بررسی درخواست استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی روز گذشته درحالی به پایان رسید که توضیحات میدری نتوانست، نمایندگان متقاضی را قانع کند. حالا پرونده باید یک مرحله دیگر را طی کند؛ گزارش کمیسیون به هیأت رئیسه می‌رود و اگر حدنصاب امضاها همچنان باقی بماند، استیضاح میدری در صحن علنی دنبال خواهد شد. میدری البته تنها وزیر حاضر در برابر نمایندگان نبود. چند کمیسیون مجلس نیز هم‌زمان میزبان وزرای اقتصاد، علوم، بهداشت و نفت بودند؛ وزرایی که هر کدام برای پاسخ به پرسش‌ها و ابهام‌های نمایندگان پای میز کمیسیون‌ها نشستند. با این تفاوت که پرونده میدری فعلاً یک گام جلوتر از دیگران قرار دارد و حالا بیش از هر زمان دیگری به صحن مجلس نزدیک شده است.

یک قدم تا صحن

جلسه روز گذشته کمیسیون اجتماعی در واقع پایان یک مسیر چند ماهه بود. آن‌طور که علی بابایی کارنامی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس، گفته است، درخواست استیضاح میدری از ۲۵ دی‌ماه سال گذشته به این کمیسیون ارجاع شده بود اما با توجه به شرایط کشور و تعاملی که میان مجلس و وزارتخانه شکل گرفت، پیگیری آن حدود ۸ ماه متوقف ماند.

با این حال اصرار دوباره نمایندگان و نگرانی آنها از وضعیت وزارتخانه باعث شد، پرونده بار دیگر روی میز کمیسیون قرار گیرد.

این بار اما فهرست انتقادات کوتاه نبود. به گفته بابایی کارنامی، نمایندگان نزدیک به ۲۰ محور را در جلسه مطرح کردند؛ از انتصابات و وضعیت حقوق بازنشستگان گرفته تا عملکرد شرکت‌های زیرمجموعه وزارتخانه، شستا، صندوق‌های بازنشتگی، شرکت هوایمایی آسمان، وضعیت تعاونی‌ها، حقوق کارگران، کالابِگ و نحوه دهک‌بندی خانوارها. سخنگوی کمیسیون اجتماعی نیز از موضوعاتی مانند اشتغال، عملکرد شرکت‌های زیرمجموعه شستا، صندوق بازنشتگی کشوری، عدم تطابق کالابِگ و مبلغ پرداختی با تورم و عملکرد صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستائیان و عشایر به‌عنوان بخشی از محورهای مطرح شده در جلسه نام برده است.

میدری در این جلسه به این انتقادات پاسخ داد و به گفته رئیس کمیسیون اجتماعی با سه‌صدر توضیحات خود را ارائه کرد. در برخی موارد نیز اعلام کرد که نیاز به بررسی بیشتری وجود دارد. اما در نهایت پاسخ‌های وزیر نتوانست، مسیر استیضاح را متوقف کند. طبق توضیح سخنگوی کمیسیون اگر نمایندگان متقاضی استیضاح قانع شوند یا اسناد و مدارک ارائه شده را بپذیرند و تعداد امضاها به کمتر از ۱۰ نفر برسد، استیضاح از دستورکار صحن خارج می‌شود؛ در غیر این صورت، پرونده راهی صحن علنی خواهد شد.

۷۰ امضا برای استیضاح وزیر کار

در شرایط فعلی اما تعداد امضاها بسیار بیشتر از حداقل قانونی است. بابایی کارنامی از وجود قریب به ۷۰ نماینده در فهرست متقاضیان استیضاح خبر داده و تأکید کرده که تا پیش از اعلام وصول در صحن، امکان کم یا زیاد شدن تعداد امضاها وجود دارد. یعنی هنوز مسیر حقوقی استیضاح به پایان نرسیده اما فاصله پرونده میدری با صحن علنی دیگر چندان زیاد نیست. البته رئیس کمیسیون اجتماعی تأکید کرده که این جلسه با هدف صدور رأی موافق یا مخالف در کمیسیون برگزار نشده است. نقش کمیسیون در چنین پرونده‌ای بررسی و فراهم کردن زمینه گفت‌وگو میان وزیر و نمایندگان است و تصمیم نهایی درباره ادامه مسیر با نمایندگان متقاضی استیضاح خواهد بود. همین نکته باعث می‌شود، مرحله بعدی برای میدری اهمیت



بیشتری پیدا کند؛ مرحله‌ای که در آن، حفظ امضاها سپس قرار گرفتن استیضاح در دستور صحن تعیین‌کننده خواهد بود.

اما انتقادات به میدری تنها به جلسه دیروز محدود نیست. چند روز پیش نیز مجتبی یوسفی، نماینده مجلس، با اشاره به وضعیت معیشتی کارگران و بازنشستگان، عملکرد وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را زیر سوال برد و از پیگیری استیضاح وزیر خبر داده بود. انتقاد او بیشتر متوجه نحوه مدیریت صندوق‌ها و شرکت‌های وابسته، وضعیت حقوق بازنشستگان، اجرای قوانین مربوط به همسان‌سازی و متناسب‌سازی، انتصابات و وضعیت پرداخت مطالبات کارگران بود. او همچنین از لزوم استفاده جدی‌تر مجلس از ابزارهای نظارتی و پیگیری تحقیق و تفحص درباره نحوه مدیریت اموال بازنشستگان سخن گفت.

جواد نیک‌بین، عضو کمیسیون برنامه و بودجه نیز پیش‌تر گفته بود که طرح استیضاح میدری از قبل تهیه شده و سه محور اصلی داشته است: نحوه واگذاری شرکت‌ها، انتصابات غیرکارشناسی و عملکرد وزارتخانه و شخص وزیر به‌ویژه در مدیریت پتروشیمی‌ها و کارخانه‌های وابسته به وزارت کار. او با اشاره به شرایط جنگی کشور گفته بود، توقف موقت استیضاح‌ها به‌معنای کنار گذاشتن ابزار نظارتی مجلس نیست.

کابینه در برابر کمیسیون‌ها

میدری تنها وزیر کابینه نیست که این روزها در مقابل نمایندگان قرار گرفته است. سه‌شنبه ۳۱ شهریور، کمیسیون برنامه و بودجه نیز میزبان وزیر اقتصاد بود و سوالات سه نماینده از وزیر امور اقتصادی و دارایی را بررسی کرد. برخی از این سوالات از نگاه رئیس کمیسیون فنی و دقیق بود و به همین دلیل قرار شد، موضوعات در کارگروه‌های تخصصی بررسی و نتیجه در جلسه آینده ارائه شود. در این پرونده فعلاً خبری از رفتن مستقیم به صحن نیست؛ اگر نمایندگان پس از دریافت گزارش کارشناسی قانع شوند، سوال‌ها تعیین‌ تکلیف می‌شوند و در غیر این صورت، مطابق روال قانونی به صحن ارجاع خواهند شد.

در کمیسیون عمران هم وزیر علوم، تحقیقات و فناوری برای پاسخگویی درباره نحوه استفاده از زمین‌های مازاد وزارتخانه برای

تأمین مسکن کارکنان و استادان حاضر شد. گزارش کمیسیون اما از عملکرد وزارت علوم در این زمینه رضایت نداشت. طبق توضیح رئیس کمیسیون عمران از بیش از ۱۰۰ دانشگاه و حدود ۷۰ هزار عضو هیأت علمی و کارکنان وزارت نزدیک به نیمی فاقد مسکن هستند و در مقابل، استفاده وزارتخانه از زمین‌های مازاد برای این هدف کمتر از ۵ درصد اعلام شده است. در نهایت، کمیسیون از توضیحات وزیر قانع نشد و موضوع برای تصمیم‌گیری نهایی به صحن ارجاع شد.

در کمیسیون اصل ۹۰ نیز محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت، حاضر شد. موضوعات جلسه از ظرفیت پذیرش دانشجویان پزشکی و آزمون دستیاری تا ذخایر استراتژیک دارویی و نحوه

توزیع دارو توسط پانفرم‌ها را دربرمی‌گرفت. ظفرقندی هم‌زمان از تلاش دولت برای تقویت منابع بیمه‌ها به منظور جبران فشار ناشی از افزایش قیمت دارو همچنین تسهیل ورود پزشکان به برخی رشته‌های تخصصی خبر داد.

وزارت نفت نیز از دستورکار نظارتی مجلس خارج نماند. کمیسیون انرژی سوالات نمایندگان از محسن پاک‌نژاد را بررسی کرد و درحالی که بسیاری از سوال‌ها پس گرفته شد، دو پرونده همچنان باقی ماند. برای یکی از آنها قرار است کمیته تخصصی تشکیل شود و درباره دیگری علاوه بر بررسی کارشناسی، بازدید میدانی از میدان نفتی آزادگان در دستورکار قرار گرفته است. پاک‌نژاد نیز در همین جلسه از برنامه وزارت نفت برای جبران بخشی از افت تولید گاز و ذخیره‌سازی سوخت مایع برای نیروگاه‌ها و صنایع خبر داد.

در مجموع، آنچه در مجلس در جریان است، مجموعه‌ای از جلسات نظارتی است که نشان می‌دهد، کمیسیون‌های تخصصی در حال باز کردن پرونده عملکرد چند وزارتخانه هستند. با این حال تفاوت پرونده میدری با سایر وزرا در این است که استیضاح او اکنون یک مرحله جدی‌تر را پشت سر گذاشته و در صورت باقی ماندن حدنصاب امضاها باید منتظر ورود پرونده به صحن علنی بود.

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا قَائٍ

جناب آقای مهندس عباس عبدی

مراتب تسلیت ما را در فقدان خواهر گرامی‌تان پذیرا باشید.
روحشان قرین رحمت واسعه الهی و خلد برین سرایشان باد.

سیدحسین مرعشی، محمدعطریان‌فر
محمدقوچانی، اکبر منتجبی، امیراقتناعی

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا قَائٍ

جناب آقای دکتر عباس آخوندی

با کمال تاسف و تأثر درگذشت برادر گرامی‌تان را
تسلیت عرض می‌نمائیم.
روحشان قرین رحمت واسعه الهی و خلد برین سرایشان باد.

حزب کارگزاران سازندگی ایران

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

ترجمان مرگ، حضور جاودانه انسان در محضر خداست

جناب آقای مهندس ولی‌الله افخمی‌راد

ضایعه درگذشت همسر خواهر جنابعالی باعث تأثر و تألم فراوان گردید. بدین‌وسیله مراتب تسلیت ما را پذیرا باشید.
برای ایشان، رحمت و غفران واسعه الهی و برای شما و خاندان معزز، صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران



سال نهم شماره ۲۳۳۴
چهارشنبه اول مهر ۱۴۰۵

بررسی تحولات جهان

افق

رسانه علیه رسانه

ترامپ تی‌وی راه اندازی شد!



پلنفرم اینترنتی ۲۴ ساعته که مستقیماً زیر نظر کاخ سفید فعالیت می‌کند. این شبکه قرار است تصاویر خام، اطلاعاتی دولتی و سخنان رئیس‌جمهور را بدون عبور از فرآیند معمول ویرایشی رسانه‌های سنتی به مخاطبان ارائه کند. در نتیجه، مناقشه‌تها بر سر اعتبارنامه چند خبرنگار نیست. یک سوی ماجرا، رسانه‌هایی قرار دارند که می‌گویند، استقلال و دسترسی برابر برای نظارت بر دولت ضروری است و سویی دیگر، دولتی قرار دارد که می‌خواهد ارتباط مستقیم‌تری با شهروندان برقرار کند و وابستگی خود به رسانه‌های جریان اصلی را کاهش دهد. پرونده قضایی و توقف استخر خبری اکنون به آزمونی درباره حدود اختیارات رئیس‌جمهور، آزادی مطبوعات و حق دسترسی جامعه به گزارش‌های مستقل تبدیل شده است؛ آزمونی که نتیجه آن می‌تواند بر رابطه کاخ سفید و رسانه‌های آمریکا برای سال‌های آینده اثر بگذارد.

خاورمیانه

حق وتورا لغو کنید

درخواست اردوغان از شورای امنیت

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در مقاله‌ای برای بلومبرگ با عنوان «جست‌وجوی عدالت جهانی در جهانی در حال تغییر» خواستار اصلاحات جامع در شورای امنیت سازمان ملل ازجمله حذف حق وتو از اعضای دائم آن شد و استدلال کرد که نظام بین‌المللی باید واقعیت‌های جهانی امروز را بهتر منعکس کند. رئیس‌جمهور ترکیه همچنین نوشت، بحران‌های اخیر ازجمله بیماری‌های همه‌گیر، شوک‌های انرژی، اختلالات زنجیره تأمین و درگیری‌های منطقه‌ای، محدودیت‌های و انگذاری رادحل‌ها به تصمیمات تعداد انگشت‌شمار از کشورهای نا نشان داده است. وی در ادامه با تأکید بر اینکه سازوکارهای تصمیم‌گیری جهانی اکنون باید با شرایط امروز سازگار شوند، نوشت که شورای امنیت سازمان ملل همچنان منعکس‌کننده ساختار ایجاد شده پس از جنگ جهانی دوم است. اردوغان برای بلومبرگ نوشت که یک سیستم نمایندگی «مؤثرتر، عادلانه‌تر و پاسخگوتر» ضروری است و خواستار مشارکت گسترده‌تر در تصمیم‌گیری‌های جهانی شد.

به گفته اردوغان، اصلاحات باید براساس این اصل باشد که هیچ کشوری نباید توانایی دائمی برای جلوگیری از اراده اکثریت جامعه بین‌المللی داشته باشد. رئیس‌جمهور ترکیه همچنین خواستار ایجاد تعادل جدیدی بین شورای امنیت سازمان ملل و مجمع عمومی شد. او پیشنهاد تقویت اختیارات مجمع عمومی و ایجاد شورای امنیتی بدون عضویت دائمی را داد که اعضای شورا توسط مجمع عمومی برای مدت زمان مشخصی انتخاب شوند. طبق رویکردی که رئیس‌جمهور ترکیه ترسیم کرد، کشورهایی که به‌دنبال دوره دیگری هستند باید از طریق انتخابات، اعتماد اکثریت اعضای مجمع عمومی را دوباره به‌دست آورند. او همچنین با این استدلال که نظم بین‌المللی آینده از نمی‌توان با حفظ سلسله مراتب گذشته ایجاد کرد، در این مقاله آورده است: «نماینده‌گی و پاسخگوی شورای امنیت در برابر مجمع عمومی باید افزایش یابد. تحولات ربع قرن گذشته، که دوره‌ای نسبتاً کوتاه در تاریخ بشر است، نشان داده که هیچ موازنه قدرت و هیچ نظم بین‌المللی دائمی نیست».



چرخشی «استخر خبری کاخ سفید» کنار گذاشته شد. در واکنش، پنج شبکه بزرگ تلویزیونی آمریکا شامل «ای‌بی‌سی نیوز»، «سی‌بی‌اس نیوز»، «سی‌ان‌ان»، «فاکس نیوز» و «ان‌بی‌سی نیوز» در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند، پوشش خود در چارچوب این استخر خبری را متوقف می‌کنند. حضور «فاکس نیوز» در این اقدام اهمیت نمادین داشت؛ شبکه‌ای که معمولاً مواضع‌اش به ترامپ نزدیک‌تر تلقی می‌شود، حاضر نشد، جای «سی‌ان‌ان» را در این چرخه بگیرد. توقف استخر خبری همچنین دسترسی همزمان رسانه‌های مستقل به تصاویر و صدای رسمی برخی رویدادها را دشوار کرد، ازجمله برنامه‌های رئیس‌جمهور آمریکا در جریان نشست‌های مجمع عمومی سازمان ملل.

«ترامپ تی‌وی» وارد می‌شود

در همین فضای پر تنش، دولت از «ترامپ تی‌وی» رونمایی کرد؛ یک

حکمرانی که امروز بر جهان غلبه کرده در انتقاد از سیاست‌های جنگ‌طلبانه عنوان کرد، کشورهایی که از تسلیحات بی‌بهره هستند، در هیچ برهه‌ای تاکسون به این میزان تنها نبوده‌اند؛ وی تصریح کرد: تگه هر مز به یک میدان نبرد تبدیل شده درحالی که باید یک گذرگاه امن و ثابت برای دنیا باشد. وی با محکومیت شدید اقدامات رژیم تئاباهاو در غزه، تأکید کرد که جنگ نه ابزار پیشسبرد سیاست بلکه نشانه فروپاشی کامل آن است.

لولا داسیلوا درباره کشورهای منطقه نیز گفت: مردم ونزوئلا سزاوار آن هستند که خود درباره سرنوشت‌شان تصمیم بگیرند؛ نیکاراگوئه نیز با ممانعت از حضور مخالفان در انتخابات مسائش را حل نخواهد کرد. وی گفت: ما همگی گروهان انفعال شورای امنیتی هستیم که به وظیفه خود عمل نمی‌کنند.

لولا با انتقاد از وضعیت کنونی سازمان ملل گفت: «اعتبار آن هرگز تا این اندازه پایین نبوده است». او همچنین افزود توانایی سازمان ملل برای حمایت از آسیب‌پذیرترین افراد یعنی کسانی که ارتش یا زرادخانه نظامی ندارند هیچگاه تا این حد تضعیف نشده بود. داسیلوا افزود: برزیل در حیاط خلوت هیچ‌کس جای نمی‌گیرد؛ ما نیازمند شرکایی هستیم که برنامه‌هایشان توسعه‌محور باشد.

اظهارات ترامپ علیه ایران

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا نیز در سخنرانی خود در مجمع عمومی به دستاوردهای خود در عرصه اقتصادی اشاره کرد. از مبارزه با کارتل‌های مواد مخدر گفت از اقدامات آمریکا در قبال ونزوئلا دفاع کرد و بار دیگر بر ادعاهای خود درباره پایان دادن به ۸ جنگ تأکید کرد. او از امضای توافق با گرینلند خبر داد و گفت، حکومت کوبا به زودی سقوط خواهد کرد. بخش زیادی از اظهارات ترامپ به ایران اختصاص داشت. او تصریح کرد که انتخابات میان‌دوره‌ای پیش‌رو در آمریکا جایی در محاسبات او در مورد جنگ ایران ندارد. او افزود که توانایی‌های دریایی، هوایی، راداری و نظامی ایران نابود شده و گفت تنها چیزی که

برای ایران باقی مانده «تورم ۳۰۰ درصدی» است. او گفت درحالی که دیگر رهبران اهل حرف بودند، او اهل عمل بوده است. وی افزود که اگر ایران حاضر به توافق با واشنگتن نشود، آماده است تا «جمهوری اسلامی را نابود کند». او همچنین ایران را به مشارکت با حماس در حادته ۷ اکتبر متهم کرد. ۱ همچنین او ایران را به نقض تفاهنامه اسلام‌آباد متهم کرد و گفت، ایران به سمت کشتی‌ها شلیک کرد و باعث از بین رفتن توافق شد. او گفت به ایران فرصت توافق دادیم اما از آن استفاده نکرد. رئیس‌جمهوری ایالات متحده گفت که انتظار دارد، ایران پس از انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا با واشنگتن به توافق دست یابد. دونالد ترامپ حکومت جمهوری اسلامی را به کشتار (۷۲ هزار نفر) از معترضان در ایران متهم کرد. رئیس‌جمهوری آمریکا همچنان از همه کشورها خواست تا ایران را از نظر اقتصادی «متزوی» کنند.

رسانه‌های هدف، ماجرا را صرفاً اختلافی بر سر سیاست دسترسی نمی‌دانند. «سی‌ان‌ان»، «ام‌اس‌ناو» و «پولیتیکو» در دادگاه فدرال واشنگتن دی‌سی شکایت کرده و مدعی شده‌اند که لغو اعتبارنامه‌ها بدون رعایت تشریفات قانونی و بر مبنای تبعیض دیدگاهی، حقوق تضمین شده در متمم‌های اول و پنجم قانون اساسی را نقض می‌کند.

سایه یک پرونده قدیمی

در مرکز این مناقشه، سابقه حقوقی آمریکا نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. پرونده «شریل علیه نایت» در سال ۱۹۷۷ یکی از پرونده‌های مهم درباره دسترسی خبرنگاران به کاخ سفید ازجمله سوابقی است که در این بحث مورد استناد قرار گرفته است. همچنین در دوره نخست ریاست‌جمهوری ترامپ، دادگاه‌ها در پرونده‌هایی درباره محدودیت دسترسی خبرنگاران به کاخ سفید با اقداماتی مواجه شدند که مرزهای اختیارات قوه مجریه را به چالش کشید. رسانه‌های شاکی استدلال می‌کنند که اگر دولت بتواند، رسانه‌ها را براساس محتوای گزارش‌ها یا خط‌مشی تحریریه آنها از دسترسی به کاخ سفید محروم کند امکان شکل‌گیری سابقه‌ای برای محدود کردن نظارت رسانه‌ای بر قدرت سیاسی فراهم می‌شود.

رسانه‌ها دست به دست هم دادند

بحران زمانی ابعاد تازه‌ای پیدا کرد که «سی‌ان‌ان» از حضور در نظام

پزشکیان در نیویورک

رئیس‌جمهور ایران با کمترین همراه

برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل روز گذشته به آمریکا رفت



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

روز سه‌شنبه هشتادویکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل آغاز به کار کرد. این نشست به مدت یک هفته ادامه خواهد داشت و رهبران کشورهای جهان به بیان مواضع خود خواهند پرداخت.

ایران نیز با یک هیأت محدود ۱۵ نفره که در راس آن مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور و سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه قرار دارند راهی نیویورک شده‌اند. رئیس‌جمهور پیش از عزیمت به نیویورک گفت: امیدوارم مردم جهان از رفتارهای ظالمانه‌ای که در منطقه صورت می‌گیرد، آگاه شوند و مجمعی که با شعار «اعتماد» برگزار می‌شود، اعتماد را به جهان بازگرداند و برای پایان جنگ و خونریزی تلاش کند. سفر هیأت ایران حتی نسبت به سال گذشته نیز با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. ایالات متحده از اعطای ویزای ورود به تعدادی از اعضای هیئت عالی رتبه و تیم رسانه‌ای رئیس‌جمهور خودداری کرد. الحداث نیز نوشت که یک مشکل فنی باعث شد که هواپیمای رئیس‌جمهور ایران در مسیر نیویورک در الجزایر توقف کند که به نظر می‌رسد، مشکل اصلی سوخت هواپما بوده است.

پایگاه خبری اکسیوس نیز مدعی شده عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در جریان حضورش در نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل، از وزارت خارجه آمریکا درخواست تیم حفاظت دولتی

کرده است. بر اساس این ادعا، پس از بررسی تهدیدهای مطرح‌شده علیه عراقچی، قرار است تیمی از سرویس امنیت دیپلماتیک وزارت خارجه آمریکا مسئول حفاظت از او در مدت حضورش در نیویورک باشد. مشخص نیست با اتمام کار تیم ایرانی در مجمع عمومی آیا هواپیمای مسئولان ارشد کشور با توجه به محاصره هوایی ایالات متحده قابلیت بازگشت به کشور را دارد یا خیر. در همین راستا گمانه‌زنی‌هایی درباره احتمال وقوع جنگ علیه ایران در زمان حضور هیأت ایران در نیویورک نیز وجود دارد که بیش از پیش فضای امسال مجمع عمومی را ملتهب تر کرده است. خلیل الرحمن، رئیس مجمع عمومی سازمان ملل دیروز، سه‌شنبه در سخنانی در هشتادویکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل گفت: تحقق صلح در جهان بدون پایبندی به حقوق بشر امکان‌پذیر نیست و باید برای تقویت نقش و عملکرد سازمان ملل متحد و تمامی نهادهای آن تلاش شود.

زیور نامطبوع

در این ستون هر چهارشنبه نگاهی می‌اندازیم به روابط مالی و حقوقی نویسندگان و مترجمان با ناشران - بخش ششم

روایت امروز از داستان‌های



منصوره شوشتری

روزنامه‌نگار

به‌نام آقای «ح» می‌شنویم که

هر چند امروز در زیست‌بوم

صنعت نشر تقریباً نامی آشنا دارد، یک دهه قبل جوانی پرانگیزه و تازه‌وارد در این حوزه بود.

روزهایی که با طرح‌های زیادی برای نوشتن در حوزه‌های گوناگون و برای مخاطبان سنین مختلف وارد صنعت نشر شده بود و بعد از این‌که چند کتاب ویرایش کرد و طرح‌هایی را به نویسنده‌ها و ناشران مختلف داد، یک نشر دولتی تقریباً پرکار و گسترده به او پیشنهاد داد در آن مجموعه دبیر بخش کودک و نوجوان شود. او هم پیشنهاد را پذیرفت و کار را شروع کرد. یکی از طرح‌هایی که از مدت‌ها قبل در ذهن می‌پروراند، کتابی تاریخی برای نوجوانان با موضوع یک بخش مشخص از تاریخ معاصر ایران بود. طرح را به نشر پیشنهاد داد، ناشر موافقت کرد و کار شروع شد. اول با یک کارشناس تاریخ صحبت کرد و با مشورت او به این نتیجه رسید بهتر است اثر در قالب طنز نوشته شود؛ زیرا مخاطب هدف آن نوجوانان بودند. بنابراین یک نویسنده طنز نویس متخصص نوجوان نیز به گروه اضافه و کار به این شکل شروع شد که ابتدا کارشناس تاریخ داده‌های بازه‌های مشخصی را به نویسنده می‌داد، نویسنده آن بخش را به شکل طنز می‌نوشت و دبیر مجموعه؛ یعنی همان آقای ح آن را می‌خواند و نظرهای خود را می‌داد و نویسنده اصلاح می‌کرد و کار به همین شکل پیش می‌رفت و دبیر مجموعه دست‌کم هر بخش را دو یا سه بار می‌خواند. بازخوانی‌های مکرر و جلسات حضوری پیوسته بین مشاور تاریخی، دبیر مجموعه و نویسنده باعث شد نوشتن اثر پیش از آن‌چه ناشر و دبیرمجموعه برآورد کرده بودند، زمان ببرد. در نهایت این روند پیش از یک سال طول کشید و بعد از پایان، اثر را به ناشر تحویل دادند، اما مدیر نشر در این مدت تغییر کرده و مدیر جدیدی جایگزین او شده بود. آقای ح در زمان همکاری با این نشر دولتی کارهای زیادی را به نتیجه رسانده بود، ولی با مدیر جدید به اختلاف‌نظر خورد و مجبور شد محل کار خود را ترک کند. وقتی می‌رفت نگران کتاب‌هایی بود که مراحل تألیف آن‌ها انجام شده بود، ولی در چرخه طولانی نشر هنوز به مرحله پایانی؛ یعنی چاپخانه و کتابفروشی نرسیده بودند.

ناشر جدید کار را به چند متخصص بیرون از مجموعه ارائه داد تا بخوانند و نظر بدهند؛ درحالی‌که معمولاً برای آثاری که از قبل در مورد آن‌ها تصمیم گرفته شده بود، نیازی به ارائه نظر مجدد متخصصان خارج از مجموعه نبود. دبیر مجموعه که از نشر رفته بود، حتی نمی‌توانست پیگیر روند انتشار کتاب شود و حقوق مادی او برای این کتاب همان دستمزد ماهانه‌ای بود که از نشر گرفته بود. حقوق معنوی هم دیگر به‌عنوان دبیر مجموعه نداشت. نویسنده و کارشناس تاریخ مدتی بعد سراغ اثر را از ناشر گرفتند و شنیدند که ناشر از کتاب راضی نیست و باید به‌طور کلی بازنویسی شود. کارشناس تاریخ دیگری همکاری با دبیر مجموعه جدید را شروع کرد. آقای ح دوردور خبر داشت اثر با همکاری نویسنده قبلی در حال بازنویسی است. مدتی بعد کتاب تمام و با همتی که ناشر جدید به خرج داد، به‌سرعت هم چاپ و توزیع شد.

نویسنده داستان ما هم کنجکاو بود ببیند اثر با چه شکل و شمایللی به زیور طبع آراسته شده است. اولین فرصتی که دست داد کتاب را خرید. نویسنده همان فردی بود که او انتخاب کرده بود، ولی با اینکه کارشناس تاریخی عوض شده بود، اسم کارشناس قبلی نیز در صفحات اول کتاب آمده بود. اما هرچه بیشتر گشت اسم خود را کمتر دید و در نهایت در آخرین خطوطی که ناشر به‌عنوان مقدمه نوشته بود، نام خود را خواند که از او تشکر کرده بود. اما نمی‌توانست به همین اکتفا کند و کنج‌او باعث شد، کتاب را بخواند تا ببیند چقدر با اثری که پیش‌تر نوشته و تحویل ناشر داده بودند، تفاوت دارد. بعد از اینکه کتاب را خواند، متوجه شد اثر از جهت تاریخی تفاوت‌هایی با اثری که آن‌ها تحویل ناشر داده بودند دارد و حتی ایراداتی در آن می‌توان دید، ولی از جهت فرم تفاوتی ندارد. مدتی بعد و با مشورت دوستان به این فکر کرد که آیا می‌تواند شکایتی علیه ناشر مطرح کند یا خیر. از دوست و آشناهایی هم که با او تقریباً همکار بودند، سوال پرسید ولی به نتیجه قطعی نرسید. مسئله این بود که نمی‌دانست حتی با شکایت کردن به حق خود می‌رسد یا خیر. از طرف دیگر هنوز هم در زیست‌بوم نشر نام زیاد شناخته‌شده‌ای نبود و اگر موضوع در میان حتی برخی ناشران دولتی می‌پیچید، طبعاً خوبی برای آینده کاری او نبود. بنابراین از شکایت منصرف شد؛ ولی مدت‌ها زحمت برای به سرانجام رساندن کتاب را فراموش نکرد و همیشه جای خالی یک کتاب تاریخی برای نوجوانان آن‌طور که در ذهن پرورانده بود، در ذهنش خالی ماند.



کافه

تازه‌های ادب و هنر

شاعر کوچه

یادی از فریدون مشیری در صدمین زادروزش

فریدون مشیری، شاعر و روزنامه‌نگار معاصر که اغلب او را با شعر مشهور و بنیاد ماندنی «کوچه» می‌شناسند ۳۰ شهریور ۱۳۰۵ در خیابان عین‌الدوله تهران متولد شد و سال‌ها بعد از بزرگان شعر و ادب فارسی شد. مشیری شاعری میانه‌رو بود که توانست با ترکیبی منحصر‌به‌فرد از رویکردهای سنتی و مدرن موضوع‌های اجتماعی، انسانی و عاشقانه را با حس‌های خاطره‌انگیز درون‌مایه اشعار خود قرار دهد و حقیقت و مهربانی را در دنیای آرمانی به تصویر بکشد.

دوراهی هنر و فن

پدربزرگ مادری فریدون مشیری از اشراف‌زادگان قاجار بود و دستی در ادب و هنر نیز داشت، با تخلص «نجم» شعر می‌سرود و از آن‌جا که به مجلس شورای ملی راه یافته بود، توانست راه را برای هنرمندان آن دوره هموار کند. فضل‌الله بایگان، دایی مشیری نیز بازیگر تئاتر و کارگردان و تهیه‌کننده سینما بود. مادر فریدون نیز به شعر و قصه و ادبیات بسیار علاقه‌مند بود و گاهی شعر می‌سرود. اما در خانواده پدری روزگار طور دیگری می‌گذشت. پدرش، ابراهیم مشیری‌افشار که گویا از نوادگان نادرشاه بود، در ۲۲ سالگی از همدان به تهران آمد و کارمند وزارت پست و تلگراف شد. پدر پدرش هم اداره امور مخابراتی غرب ایران را به‌عهده داشت و به‌خاطر نقشش در تأسیس مخابرات غرب ایران، ناصرالدین شاه به او لقب «مشیر» داده بود. یک طرف بیشتر ذوق هنری به‌چشم می‌خورد و مشاغلی که از دل برآمده بودند و طرف دیگر امور فنی بود و زندگی کارمندی و طبعاً امنیت مالی. ایستادن بر سر این دوراهی جایی است که فریدون مشیری لحظات زیادی از زندگی‌اش را در آن گذراند. کلاس سوم ابتدایی بود که خانواده مشیری به خاطر کار پدر راهی مشهد شدند و وقتی بار دیگر به تهران برگشتند، اوضاع کشور آشفته و فریدون نیز دیگر دانش‌آموز سال اول دبیرستان بود. شهریور ۱۳۲۰ آتش جنگ جهانی دوم

چهره: یاد

مرگ در غربت

درگذشت سیروس ابراهیم‌زاده، بازیگر سینما و تئاتر در آمریکا

سیروس ابراهیم‌زاده، بازیگر قدیمی سینما، تئاتر و تلویزیون ایران، دوشنبه‌شب در آمریکا درگذشت. بازیگری از نسل طلایی تئاتر ایران که از میانه دهه ۴۰ تا سال‌های پایانی دهه ۸۰ حضوری مستمر در صحنه، رادیو، تلویزیون و سینما داشت و در کنار بازیگری، در ترجمه، نویسندگی، تهیه‌کنندگی و کارگردانی نیز فعالیت کرد. سیروس ابراهیم‌زاده بازیگری با جثه کوچک، اما با صدایی قدرتمند، بیانی مشخص و توانایی حضور در نقش‌های جدی و کم‌دی بود. بازیگری که شاید هیچگاه در مرکز ویتترین سینمای ایران قرار نگرفت، اما حضورش در مجموعه‌ای از آثار مهم سینما و تلویزیون، بخشی از حافظه تصویری چند نسل از مخاطبان ایرانی را شکل داد. او ۱۹ فروردین ۱۳۱۶ در اردبیل به‌دنیا آمد و اگرچه تنها حدود پنج سال از کودکی‌اش را در این شهر گذراند، همواره پیوند خود را با اردبیل حفظ کرد. خودش درباره خانواده و ریشه‌هایش گفته بود: «جد هفتم من، استاد کاشی‌کار مشهور اصفهانی بود که به دستور شاه‌عباس برای مرمت بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی به این شهر فرستاده شد و همانجا ازدواج کرد و ماندگار شد». خانواده او بعدها به تهران آمدند و در محله‌ای نزدیک امام‌زاده یحیی ساکن شدند، جایی که سال‌های کودکی ابراهیم‌زاده در آن گذشت و مسیر علاقه‌اش به فرهنگ و هنر، خیلی‌زود شکل گرفت.

روزگار سیروس

ابراهیم‌زاده از نسلی بود که ورودش به دنیای هنر، پیش از هر چیز از کتاب و ادبیات آغاز می‌شد. خودش گفته بود: «صراحتاً می‌گویم که من از حوزه کتاب و ادبیات توانستم وارد کار تئاتر شوم. نسل من نسلی بود که حضور در حوزه فرهنگ را از خواندن کتاب شروع می‌کرد و بعداً به رشته‌های دیگر وارد می‌شد». او اولین فعالیت فرهنگی خود را در ۱۵ سالگی با نوشتن آغاز کرده بود و بعدها علاوه بر بازیگری در زمینه ترجمه و تألیف نیز فعالیت

دامن ایران را گرفت. فریدون مشیری تحت‌تأثیر این واقعه اولین شعر خود را در ۱۶ سالگی سرود که بعدها در مجموعه «تشنه طوفان» به چاپ رسید: «بیا که تیر نگاهت هنوز در پر ماست / گواه ما پر خونین و دیده تر ماست / دلی که رام محبت نمی‌شود دل توست / سری که در ره مهر و وفا رود سر ماست». فریدون سه سال دبیرستان را در دارالفنون گذراند. اینجا اولین‌باری بود که معنای دوراهی را فهمید، معنی انتخاب‌هایی که گاه نفس‌گیرند و دردناک. در تمام سال‌هایی که پدر را در قامت کارمندی قانون‌مدار و منضبط می‌دید، با خودش می‌گفت: فریدون! این نباید سرنوشت تو باشد. تو هرگز در هیچ اداره‌ای کار نخواهی کرد و طعم زندگی کارمندی را نخواهی چشید. اما روزگار برای فریدون راه دیگری را مشخص کرده بود. در ۱۸ سالگی هم‌زمان با تحصیل در سال آخر دبیرستان، در وزارت پست و تلگراف مشغول به کار شد؛ کاری که تا ۳۳ سال بعد نیز ادامه داشت.

فریدون مشیری دقیقاً در همان سالی که وارد اداره پست شد، یکی از بزرگ‌ترین فقدان‌های زندگی‌اش را تجربه کرد. یک روز مثل باقی روزها با صدای زنگ ساعت بیدار شد و در آن روز نحس فریدون نقطه روشن زندگی‌اش را برای همیشه از دست داد. مرگ مادر تأثیر عمیقی بر زندگی مشیری گذاشت که آن را می‌توان در سروده‌ها و شعرهایش به روشنی دید. تا آن‌جا که می‌گوید زمین و زمان، ملک و مکان، حشمت و جاه سلیمانی و شوکت و فرسکندر همه‌اش ارزانی شما «که ما را خوش تر است لذت یک لحظه مادر داشتن»!

ترجیح مطبوعات بر دانشگاه

بعد از مرگ مادر، مشیری تحصیل در آموزشگاه فنی وزارت پست و تلگراف را آغاز کرد. روزها کار می‌کرد، شب‌ها درس می‌خواند و در همین گیر و دار گوشه کاغذهای باطله و دفتر کار و کتاب‌های درس شعر و داستان می‌نوشت. هر آنچه وصلش

می‌کرد به آن‌چه عمیقاً دوستش می‌داشت و چیزی ورای روزمرگی‌هایش بود. کم‌کم شوق نوشتن در فریدون مشیری جان گرفت و سرآخر به مطبوعات روی آورد. شروع کرد به نوشتن در مجلات و روزنامه‌ها. خبرنگاری و نویسندگی شدند کارهای اصلی زندگی‌اش و مابقی هرچه بود به حاشیه رانده شد. بعد تصمیم گرفت برای ادامه تحصیل رشته ادبیات فارسی را انتخاب کند. انگار جانی دوباره گرفته بود. توانست در دانشگاه تهران و رشته مجبوش قبول شود. اما یک سال بعد به ناچار تحصیل را کنار گذاشت. باز هم ایستادن سر دوراهی و انتخاب‌های سخت؛ کار در اداره پست و کار در مطبوعات همه و قشش را گرفته بودند. و در این میان نمی‌توانست برای تحصیل جا باز کند. پس با ادبیات فارسی دانشگاه تهران خداحافظی کرد و باز هم نوشت و نوشت و نوشت. از شعر تا داستان و مقاله و نقد فیلم و تئاتر و نقاشی. از سال ۱۳۳۲ دبیر صفحه شعر و ادب مجله «روشن‌فکر» به سردبیری رحیم مصطفوی شد و این سمت را تا سال ۱۳۵۱ حفظ کرد و بسیاری از شاعران معاصر از دل همین مجله و همین صفحه درآمدند.

فریدون مشیری سال‌ها بعد مسئولیت تنظیم و تدوین صفحه شعر و ادبی مجله «سپید و سیاه» را نیز برعهده گرفت. او دیگر جایگاه خود را در میان اهالی مطبوعات و فضای روشن‌فکری یافته بود. توانایی‌هایش برای همه عیان شده بود و احتمالاً دیگر در محافل و دورهمی‌ها خودش را کارمند اداره پست معرفی نمی‌کرد، هرچند هم‌چنان به موازات پرداختن به عشق و آن‌چه بدان دل باخته بود، ساعاتی از روز لباس کارمندی به تن می‌کرد.

در میانه سنت و نوگرایی

مشیری طی این سال‌ها تعادل میان کار و عشق را به خوبی آموخته بود و همین حفظ تعادل و استمرار در حرکت، در شعرها و آثار او نیز به وضوح دیده می‌شود. فریدون مشیری را شاعر میانه‌گرا می‌دانند. او قالب‌های کلاسیک چون چهارپاره،

و ادبیات انگلیسی تحصیل کرد و سپس برای ادامه تحصیل و آشنایی با تاتر به انگلستان رفت و هم‌زمان در رشته موسیقی نیز تحصیل کرد. خودش دلیل این انتخاب را روشن گفته بود: «در ایران آن روزگار دانشگاهی برای تحصیلات هنرهای نمایشی نداشتیم... برای این رتم دنبال زبان که بتوانم از منابع خارجی استفاده کنم، برای آموزش و کسب دانش».

ساختن صدا

بخش مهمی از زندگی حرفه‌ای ابراهیم‌زاده به رادیو بازمی‌گشت؛ رسانه‌ای که حدود یک دهه در آن فعالیت کرد و در کنار بازیگران و هنرمندان شناخته‌شده آن دوران، تجربه‌های تازه‌ای را در اجرا و بیان دنبال کرد. او در سال ۱۳۳۳ وارد رادیو شد و در کنار رامین فرزند، هم‌اندشده‌ای خود، تلاش کرد از شیوه اجرای فخم و اغراق‌آمیز رایج آن دوره فاصله بگیرد. ابراهیم‌زاده معتقد بود هنر زمانی می‌تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند که از تصنع فاصله بگیرد. او سال‌ها بعد درباره آن دوران گفته بود: «تأثیر





گزارش: سینمای ایران

تنها صدا می‌ماند

اصغر فرهادی در شب صدای سینمای ایران

شب صدایرداران و صداگذاران سینمای ایران، با تقدیر از حسن زاهدی، اسحاق خانزادی و بهروز شهامت درحالی برگزار شد که چهره سرشناس و بین‌المللی سینمای ایران نیز در آن حضور داشت. اصغر فرهادی که صحبت‌های او درباره اهمیت صدا در سینما و اشاره‌اش به

نسل‌های تأثیرگذار صدایرداری، مهم‌ترین و مورد توجه‌ترین بخش این مراسم بود.

عصر سه‌شنبه ۳۰ شهریورماه ۱۴۰۵ خانه سینما میزبان جمعی از سینماگران و هنرمندان بود تا در مراسم «شب صدای سینمای ایران» از سه چهره باسابقه عرصه صدای سینما تقدیر شود. حسن زاهدی، اسحاق خانزادی و بهروز شهامت، سه چهره مطرح دنیای صدای سینمای ایران بودند که در این مراسم مورد تجلیل قرار گرفتند. در این مراسم چهره‌های مختلف سینما، از نسل‌های گوناگون حضور داشتند که شاید سرشناس‌ترین‌شان اصغر فرهادی، موفق‌ترین فیلم‌ساز ایرانی در عرصه بین‌المللی بود. اصغر شاهرودی، محمدمهدی عسگرپور، منوچهر شاهسواری، محمد آلاذیوش، عادل تبریزی، کامران سحرخیز، بهمن اردلان، جهانگیر میرشکاری، علی قوی‌تن، آرش قاسمی، علی‌اکبر تقفی، نادر فوقانی، امیر عابدی، بهرام بدخشانی، محمدعلی حسین‌زاد، حسن آفاکریمی، جواد طوسی، هوشنگ گلمکانی و بهرام عظیمی ازجمله حاضران در این برنامه بودند.

اما حضور اصغر فرهادی، کارگردان برگزیده اسکار، توجه ویژه‌ای را به این مراسم جلب کرد. فرهادی که پس از مدت‌ها به خانه سینما آمده بود، در بخشی از برنامه روی صحنه رفت و درباره جایگاه صدا در سینما صحبت کرد. موضوعی که به گفته خودش، در سال‌های اخیر برای او اهمیت بیشتری پیدا کرده است. فرهادی گفت: «صدا در سینما آنقدر مهم است که من اصلاً فیلم آخرم را در ادای دین به صدا ساختم». او توضیح داد که اهمیت صدا برایش به‌جایی رسیده که هنگام نوشتن فیلم‌نامه، پیش از آنکه تصویر را در ذهن خود شکل دهد، به صدا فکر می‌کند و صدا را می‌نویسد و اگر به کارنامه‌اش نگاه کنیم، متوجه آن خواهیم شد. حسن زاهدی در سال ۱۳۸۱ برای صدایرداری فیلم «رقص در غبار» برنده جایزه جشن حافظ شد و در سال ۸۲ سیمرغ بلورین بهترین صدایرداری برای فیلم «شهرزیا»ی فرهادی را گرفت. زاهدی برای فیلم «چهارشنبه‌سوری» نیز نامزد سیمرغ شد و در سال ۸۷ نیز سیمرغ بلورین بهترین صداگذاری را برای «درباره‌الی…» گرفت. محمدرضا دلیاک برای صداگذاری «جدایی نادر از سیمین» موفق‌ترین فیلم فرهادی، نامزد دریافت سیمرغ شد اما محمود سماک‌باشی برای صدایرداری همین فیلم، برنده سیمرغ بلورین شد. همه اینها تأییدی برای حرف‌های فرهادی در این مراسم درباره اهمیت مسئله صدا در فیلم‌هایش است. او این شیوه را راهی برای فعالیت‌ر شدن تخلیل دانست و گفت صدا عنصری مهم در زنده بودن و خون فیلم است. به این ترتیب، صحبت‌های فرهادی در این مراسم صرفاً ادای احترام به سه چهره تقدیرشده نبود و بخشی از نگاه شخصی او به یکی از عناصر کمتر دیده‌شده اما تعیین‌کننده سینما را نیز بازتاب می‌داد. فرهادی در ادامه، هنگام صحبت درباره حسن زاهدی، به نقش نسل‌های پیشین صدایرداری در سینمای ایران اشاره کرد و از مسعود بهنام و اصغر شاهرودی به‌عنوان چهره‌هایی یاد کرد که صدای سر صحنه را به سینمای ایران آوردند. او در همین زمینه از ویژگی‌ای در سینمای ایران سخن گفت که به گفته خودش، نمونه آن

را در تجربه کاری خارج از ایران مشاهده

نکرده است: «حسن پدرانگی صدایرداران

در سینمای ایران». او همچنین با اشاره

به صحبت‌های بهمن اردلان، از کیفیت

صدای سینمای ایران تمجید کرد و گفت

بارها در خارج از ایران از او پرسیده‌اند که

چگونه چنین کارهایی را در زمینه صدا

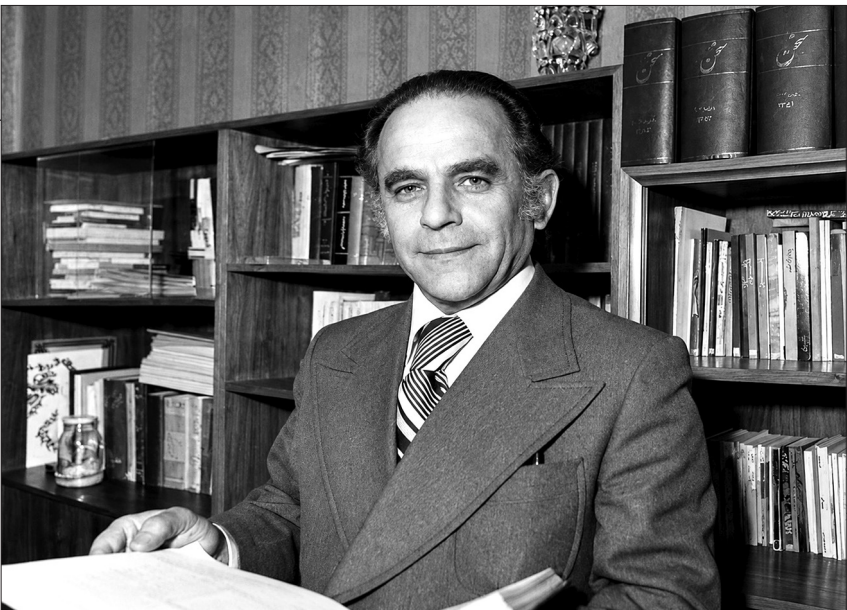
انجام داده‌اند.

فرهادی پس از پایان مراسم نیز در حاشیه برنامه در جمع خبرنگاران حاضر شد و به پرسش‌شدهایی درباره وضعیت فیلم آعرش «داستان‌های موازی» که در فرانسه و با حضور ستاره‌های سینمای جهان ساخته شده، پاسخ داد. او درباره پخش این فیلم که اکنون به‌طور غیررسمی در اختیار کاربران ایرانی فضای مجازی قرار دارد، گفت: «این فیلم به‌صورت رسمی پخش نشده و در حال حاضر نمی‌توانم درباره آن صحبت کنم». این کارگردان در پاسخ به این پرسش که آیا فیلم بعدی خود را در ایران خواهد ساخت، گفت که هنوز چیزی مشخص نیست. او همچنین درباره احتمال داشتن «داستان‌های موازی» در ایران اظهار کرد: «فکر نمی‌کنم اگران این فیلم در ایران امکان داشته باشد». بخش دیگری از صحبت‌های فرهادی در حاشیه مراسم به دلیل حضورش در خانه سینما اختصاص داشت. او گفت پس از مدت‌ها به خانه سینما آمده و یکی از دلایل این حضور، همین برنامه و اهمیت موضوع صدا در سینما و بزرگداشت استادانی مانند حسن زاهدی، اسحاق خانزادی و بهروز شهامت بوده است. فرهادی در ادامه تأکید کرد که جای بسیاری از چهره‌های دیگر در این مراسم خالی بوده است. او از یدالله نجفی و زندیاد مسعود بهنام نام برد و یادآور شد که نسل جوانی که امروز در سینما فعالیت می‌کند، شاید کمتر بدانند این چهره‌ها چه نقشی در شکل‌گیری و پیشرفت صدای سینمای ایران داشته‌اند. فرهادی افزود این افراد در واقع از پایه‌گذاران این حوزه در سینمای ایران بوده‌اند و به همین دلیل حضور در چنین مراسمی را نوعی وظیفه برای خود دانسته است. این کارگردان مطرح در پایان گفت: «به‌نوعی وظیفه خود می‌دانستم که امروز حضور داشته باشم تا ادای احترامی باشد به کسانی که در بخش صدای سینمای ایران فعالیت می‌کنند». «شب صدای سینمای ایران» در نهایت بیش از آنکه صرفاً مراسمی برای تقدیر از سه صدایردار و صداگذار باسابقه باشد، فرصتی بود برای یادآوری نقش گروهی از سینماگران که حضورشان در شکل‌گیری تجربه نهایی تماشاگر از یک فیلم، اگرچه کمتر در قاب دیده می‌شود، اما بخش مهمی از هویت سینمایی اثر را شکل می‌دهد که حضور فرهادی و تأکید او بر جایگاه صدا، آن را به یکی از محورهای اصلی این مراسم تبدیل کرد.

موسیقی اخت شد. هرچند او از کودکی موسیقی سنتی و کلاسیک را می‌دانست و با اصولش آشنا بود، اما در جریان زندگی فرصت کافی برای پرداختن جدی به آن نداشت. او ۷ سال پایانی کار در اداره‌یست را در حالی گذراند که به عضویت در شورای موسیقی و شعر رادیو ایران درآمد بود و یکی از مسئولان بررسی و ارزیابی موسیقی و شعر این مجموعه بود و در کنار افراد برجسته‌ای همچون هوشنگ ابتهاج و عماد خراسانی برنامه «گل‌های تازه» را در رادیو اجرا می‌کرد و قدم‌های بزرگی برای پیوند میان شعر و موسیقی برداشت. از همان زمان تاکنون خوانندگان و آهنگ‌سازان بسیاری ترانه‌های فریدون مشیری را برای ترانه‌سرایی و ساخت آهنگ استفاده می‌کنند.

هرچند برخی بزرگان موسیقی و ادبیات مشیری را متهم به ساتنی‌مانتالیسم می‌کنند و معتقدند سهل‌الوصول بودن اشعار او، چه در فهم و چه در ریتم، باعث شده افراد زیادی بدون تخصص و درک موسیقایی اشعار او را برگزینند، اما عامه مردم و دسته‌ای از بزرگان هنر و ادب ایران چون عبدالحسین زرین‌کوب، هوشنگ ابتهاج و حسین علیزاده بر این باورند که زبان گرم و لحن خوش‌آهنگ مشیری بی‌واسطه بر دل می‌نشیند و نیاز به توضیح و تفسیر ندارد و کم‌تلفی بزرگی است اگر طرف‌داران این سبک از شعر و موسیقی را متهم به سطحی‌نگری کرد. فارغ از همه انتقادها و تشویق‌ها فریدون مشیری سخت به کار خود ادامه می‌داد. او در سال ۱۳۶۵ دفتر شعر «مروراید مهر»، سال ۱۳۶۷ مجموعه «آه باران»، سال ۱۳۷۱ «از دیار آشتی»، یک سال پس از آن دفتر شعر «با پنج سخن‌سرا»، در سال ۱۳۷۴ مجموعه «لحظه‌ها و احساس» را به چاپ رساند.

فریدون مشیری سال ۱۳۷۷ به آلمان و سپس آمریکا سفر کرد و در شهرهای مختلف این دو کشور مراسم شعرخوانی برگزار کرد که با استقبال بسیاری از ایرانی‌های مقیم خارج از کشور و همچنین دوستداران ادبیات فارسی روبه‌رو شد. سال بعد از آن به سوئد رفت و در آنجا نیز شب‌های شعری با حضور او شکل گرفت. او هرچند به‌شدت بیمار بود اما باز هم از کار دست نمی‌کشید و در همان سال یعنی ۱۳۷۸ دفتر شعر «آواز آن پرنده غمگین» را منتشر کرد و سال بعد از آن مجموعه «تا صبح تابناک اهورایی» را منتشر کرد. مشیری پس از سال‌ها کار سخت و مداوم، سرانجام ۳ آبان ۱۳۷۹ و در ۷۴ سالگی درگذشت و در قطعهٔ هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد.



اشعارش نیاز به فهم لغات و استعاره‌های پیچیده باشد. او یکی بود مثل همه مردم که عشق را می‌فهمید، رنج بسیار کشیده بود و توانست تمام این هیجانات انسانی را به لطیف‌ترین کلمات بدل کند و در قالب شعر به جان دیگران بنشاند و بسپارد:

بی تو، مهتاب شبی، باز از آن کوچه گذشتم
همه تن چشم شدم، خیره به‌دنبال تو گشتم
شوق دیدار تو لبریز شد از جام وجودم
شدم آن عاشق دیوانه که بودم....

مشیری سال ۱۳۴۰ سومین دفتر شعرش را به چاپ رساند: «ابر». شعر کوچه نیز در همین مجموعه قرار داشت و به‌قدری از آن استقبال شد که در چاپ‌های بعدی یعنی از سال ۱۳۴۵ به‌بعد عنوان این دفتر به «ابر و کوچه» تغییر پیدا کرد. مشیری به عرفان و تصوف بسیار علاقه‌مند بود. این ارادت قلبی تبدیل به مجموعه‌ای شد با عنوان «یک‌سو نگر-یستن و یکسان نگر-یستن» که سال ۱۳۴۰ منتشر شد. این مجموعه شامل ۱۰۰ حکایت و ماجراست اندر احوالات شیخ ابوسعید ابوالخیر به انتخاب فریدون مشیری. جواد نوربخش نیز مقدمه‌ای تمام و کمال پیرامون عرفان و تصوف بر آن نوشته است. سال ۱۳۴۷ فریدون مشیری دفترهای شعر «بهار را باور کن» و «پرواز با خورشید» را منتشر کرد. در کنار این حجم از کارهای ادبی، هم‌چنان کار در اداره‌یست پابرجا بود. سال ۱۳۵۰ به شرکت مخابرات ایران منتقل و سال ۱۳۵۷ هم بازنشسته شد. در این فاصله دفتر شعر «از خاموشی» را در سال ۱۳۵۶ به چاپ رساند.

در دههٔ ۵۰ فریدون مشیری بیش از هر زمان دیگری با

دوبیتی و غزل را مانند بسیاری از شاعران هم‌نسل و هم‌دوره خود به‌طور کامل کنار نگذاشت و از آن‌ها در آثار خود استفاده کرد. نیمی از اشعار فریدون مشیری در قالب نیمایی است و نیمی دیگر در قالب‌های سنتی و کلاسیک. او همان‌قدر که به حافظ و سعدی ارادت داشت، خود را مدیون نیما یوشیج می‌دانست و همین ویژگی از او نه‌تنها شاعر بلکه فراتر از آن، انسانی میانه‌رو در احساسات و هیجانات و اندیشه ساخت.

آثار و اشعار

فریدون مشیری اولین دفتر شعر خود را سال ۱۳۳۴ یعنی در سن ۲۸ سالگی و با عنوان «تشنه طوفان» منتشر کرد. محمدحسین شهریار و علی دشتی بر این کتاب مقدمه نوشته‌اند. سال ۱۳۳۵ مشیری همکاری با مجلهٔ «سخن» را آغاز کرد. در آن دوره پرویز ناتل خانلری، سردبیر «سخن» بود. در همان سال او دومین دفتر شعرش به‌نام «آنگاه دریا» را روانهٔ بازار نشر کرد که مورد اقبال عمومی واقع شد. دو سال بعد یعنی ۱۳۳۷ نیز مجموعه «نایافته» را راهی بازار کتاب کرد. شعر معروف «کوچه» اردیبهشت ۱۳۳۹ در مجلهٔ «روشن‌فکر» منتشر شد. شاید پیش از این خیلی‌ها مشیری را آن‌طور که شایسته‌اش بود نمی‌شناختند ولی بعد از انتشار این شعر، نه‌تنها در محافل ادبی بلکه در میان عوام نیز نام او سر زبان‌ها افتاد. مردم از اینکه می‌دیدند یک شاعر این‌چنین ساده و بی‌آلایش از احساساتی حرف می‌زند که خود آن‌ها نیز تجربه کرده بودند، با او احساس نزدیکی و صمیمیت می‌کردند و دیگر مشیری برای‌شان در رده شاعرانی نبود که برای درک

هنر حاصل صداقت است». از نگاه او تأکیدهای اغراق‌آمیز، کش دادن بی دلیل کلمات و آگاهی بیش از اندازه هنرمند از ویژگی‌های ظاهری و صوتی خودش، می‌تواند ارتباط با مخاطب را از بین ببرد. در همین مسیر، با ایرج گرگین نیز گروهی تئاتری راه‌اندازی کرد و در این تجربه از همکاری مترجمانی چون رضا سیدحسینی، عبدالله توکی، توح فرارزند و محمد قاضی بهره برد. فهمه راستکار نیز از جمله هنرمندانی بود که در این مجموعه حضور داشت. ابراهیم‌زاده در تلویزیون نیز تنها به بازیگری محدود نماند. او در دوره‌های مختلف، مسئولیت‌های اداری، تهیه‌کنندگی و تولید برنامه‌های هنری و تئاتری را برعهده داشت. جشن هنر شیراز نیز یکی از پروژه‌هایی بود که تهیه‌کنندگی آن را برعهده داشت؛ تجربه‌ای که برای اجرای آن، حتی در شیراز با خشت و گل و گچ دکور ساخته بودند. کارگردانی هنری و تهیه‌کنندگی تله‌تئاترهایی چون «تبارت فرنگی»، «باطله» و «زارع شیکاگو»، کارگردانی هنری مجموعه عروسکی «هاچین و وایچن» و حضور در تولیدهای مختلف تلویزیونی، بخش دیگری از کارنامه‌ای است که نشان می‌دهد ابراهیم‌زاده تنها یک بازیگر نبود.

رو‌ی پرده

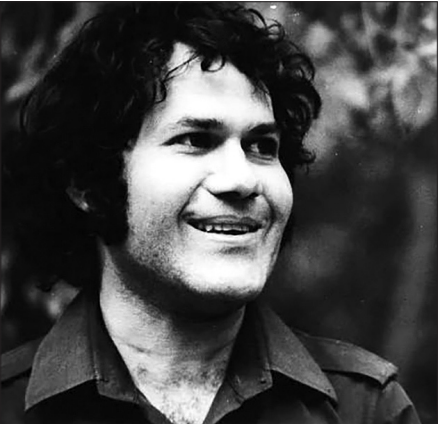
نخستین تجربه سینمایی سیروس ابراهیم‌زاده به سال ۱۳۴۹ و فیلم «حسن کچل» به کارگردانی علی حاتمی بازمی‌گردد. پس از آن نیز در فیلم‌هایی چون «ستارخان» و «کمال‌الملک» با حاتمی همکاری کرد. در سال‌های بعد، مسیر سینمایی او با فیلم‌هایی از کارگردانان مختلف ادامه یافت، از «صمد و قالیچه

حضرت سلیمان» و «صمد و سامی، لیلا و لیلی» تا «تحفه‌ها»، «برخورد»، «مجسمه»، «شکوه بازگشت»، «همسر»، «چهره»، «هتل کارتن»، «ساغر»، «مومیایی ۳»، «مسافر ری»، «دلبران»، «عشق فیلم»، «مکس»، «شمعی در باد»، «تردست»، «عروس فراری»، «شام عروسی»، «تله»، «مقلد شیطان»، «سوغات فرنگ» و «تاکسی نارنجی». در میان این آثار، «مومیایی ۳» یکی از نقاط برجسته کارنامه سینمایی او بود و ابراهیم‌زاده برای بازی در آن، جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد جشن سینمای ایران را دریافت کرد. با این حال، رابطه او با سینمای ایران همیشه رابطه‌ای ساده و بی‌حاشیه نبود. ابراهیم‌زاده در مقطعی صراحتاً گفته بود که اعتقادی به سینمای ایران نداشته و گروهی از هم‌نسلانش معتقد بودند، سینمای ایران هنوز به جایگاهی که برای کار حرفه‌ای مدنظرشان بود، نرسیده است.

ابراهیم‌زاده خاطره جالبی نیز از مهرجویی داشت: زمانی که مهرجویی برای آغاز فعالیت سینمایی خود به ایران بازگشته بود ابراهیم‌زاده دستیار او در «الماس ۳۳» شد. بعدها برای بازی در یکی از فیلم‌های مهرجویی تست داد اما پذیرفته نشد. خودش می‌گفت، مهرجویی با وجود دوستی و علاقه، نقش را به او نداد. او همیشه می‌گفت: «داربوش مهرجویی را خیلی دوست دارم».

بازیگری برای ماندن

در تلویزیون، چهره او برای مخاطبان گسترده‌تری شناخته شد. «آرایشگاه زیبا»، «گالش‌های مادر بزرگ»، «عطر گل یاس»، «سایه همسایه»، «زیر بازارچه»، «کاکتوس»، «ولایت



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

غلبه فروشندگان

چرا بورس تهران بار دیگر در مسیر نزولی قرار گرفت؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

بورس تهران در آخرین روز تابستان، بار دیگر امید خریداران را به ناامیدی تبدیل کرد. بازاری که معاملات خود را با افزایش تقاضا و رشد شاخص‌ها آغاز کرده بود خیلی زود تغییر مسیر داد و زیر فشار عرضه‌ها قرار گرفت. فروشندگان که در روزهای گذشته نیز حضور پررنگی در بازار داشتند بار دیگر ابتکار عمل را در دست گرفتند و اجازه ندادند، تقاضای اولیه به روندی پایدار تبدیل شود. نتیجه این کشمکش، سقوط بیش از ۱۱۳هزار واحدی شاخص کل و خروج نزدیک به ۵ هزار میلیارد تومان پول حقیقی از سهام و صندوق‌های سهامی بود. آنچه در معاملات سه‌شنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۵ رخ داد، نشان می‌دهد که با وجود افزایش ارزش معاملات هنوز نشانه‌ای از بازگشت پایدار اعتماد به بازار دیده نمی‌شود و خریداران برای تغییر مسیر بورس با دشواری روبرو هستند.

معاملات روز سه‌شنبه در شرایطی آغاز شد که افزایش تقاضا در دقایق ابتدایی، امید به جبران بخشی از افت روزهای گذشته را زنده کرد. شاخص کل در آغاز معاملات تا حدود ۶۰ هزار واحد افزایش یافت اما این رشد دوام چندانی نداشت. با افزایش عرضه سهام، شاخص‌ها به‌تدریج تغییر مسیر دادند و بازار از محدوده مثبت به محدوده منفی وارد شد. تلاش خریداران برای جلوگیری از افت بیشتر قیمت‌ها نیز نتیجه قابل‌توجهی نداشت و فشار فروش تا پایان معاملات ادامه یافت. در نهایت، شاخص کل بورس تهران با کاهش ۱۱۳ هزار و ۹۴ واحدی معادل ۱.۵۵ درصد، در سطح ۷ میلیون و ۱۶۷ هزار و ۳۳۵ واحد ایستاد. شاخص کل هم‌وزن نیز با افت ۱۴ هزار و ۶۲۹ واحدی معادل ۰.۷۶ درصد به یک میلیون و ۹۲۲ هزار و ۳۰۲ واحد رسید. افت هم‌زمان دو شاخص اصلی بورس نشان می‌دهد که فشار فروش تنها به شرکت‌های بزرگ محدود نبوده و بخش قابل‌توجهی از بازار را دربر گرفته است. بااین حال کاهش بیشتر شاخص کل در مقایسه با شاخص هم‌وزن بیانگر آن است که سهام شرکت‌های بزرگ‌تر و شاخص‌ساز در مجموع نقش پررنگ‌تری در عقب‌نشینی بازار داشته‌اند.

یکی از ویژگی‌های معاملات سه‌شنبه، گسترش فشار فروش در میان نمادهای مختلف بود. در پایان معاملات ۳۰۶ نماد در محدوده مثبت قرار داشتند، درحالی که قیمت ۵۴۸ نماد کاهش یافته بود. همچنین تعداد صف‌های خرید به ۱۸۷ صف رسید اما در مقابل ۳۰۸ نماد با صف فروش مواجه شدند. این آمار نشان می‌دهد که اگرچه تقاضا به‌طور کامل از بازار خارج نشده اما شمار نمادهای منفی و صف‌های فروش به‌مراتب بیشتر از نمادهای مثبت و صف‌های خرید بوده است. افزایش صف‌های فروش می‌تواند به تشدید نگرانی سهامداران منجر شود؛ زیرا بخشی از فروشندگان، به‌ویژه در نمادهایی که با محدودیت نقدشوندگی مواجهند امکان فروش فوری سهام خود را پیدا نمی‌کنند. در چنین شرایطی، رفتار معامله‌گران در روزهای بعد اهمیت بیشتری می‌یابد و تداوم صف‌های فروش می‌تواند، فشار مضاعفی بر بازار وارد کند. در کنار افت شاخص‌ها، خروج نقدینگی از بازار سهام یکی دیگر از اتفاقات مهم معاملات سه‌شنبه بود. براساس آمار منتشرشده، خالص خروج پول حقیقی از سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی به ۴ هزار و ۷۵۴ میلیارد تومان رسید. این میزان خروج پول نشان می‌دهد که در مجموع، سرمایه‌گذاران حقیقی بیش از آنکه به خرید سهام تمایل داشته باشند در موقعیت فروش قرار گرفته‌اند.

نکته قابل‌توجه دیگر خروج یک هزار و ۱۹۷ میلیارد تومان پول از صندوق‌های درآمد ثابت بود. خروج هم‌زمان نقدینگی از سهام و صندوق‌های درآمد ثابت نشان می‌دهد که جابه‌جایی پول در معاملات دیروز صرفاً به انتقال سرمایه از سهام‌ها ابرازهای کم‌ریسک‌تر محدود نبوده است. البته برای مشخص شدن مقصد این منابع، بررسی جریان نقدینگی در سایر بازارها ضروری است. ارزش معاملات سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی در روز سه‌شنبه به ۳۷ هزار و ۸۷۶ میلیارد تومان رسید و حجم معاملات نیز ۷۵ میلیارد سهم و واحد سرمایه‌گذاری ثبت شد. افزایش حجم و ارزش معاملات در شرایطی که شاخص‌ها کاهش یافته‌اند به‌تنهایی نشانه مثبتی محسوب نمی‌شود. برای ارزیابی وضعیت بازار باید مشخص شود که معاملات پرچم تا چه اندازه با ورود تقاضای تازه همراه بوده و چه میزان از آن در نتیجه افزایش عرضه سهام شکل گرفته است. آمار مربوط به سرانه معاملات نیز از برتری فروشندگان حکایت دارد. سرانه خرید حقیقی در معاملات دیروز ۷۴ میلیون تومان و سرانه فروش ۱۱۵ میلیون تومان بود. به این ترتیب میانگین ارزش فروش هر فروشنده حقیقی به‌مراتب بیشتر از میانگین ارزش خرید هر خریدار حقیقی ثبت شد. در پایان معاملات نیز ارزش سفارش‌های خرید به ۶ هزار و ۴۶۷ میلیارد تومان رسید، درحالی که ارزش سفارش‌های فروش ۶ هزار و ۸۱۰ میلیارد تومان بود. این اختلاف نشان می‌دهد که حتی در دقایق پایانی بازار نیز عرضه بر تقاضا برتری داشته است.

توسعه

ادامه تیتیر یک

در ستایش اعتراض

سکوت در برابر بحران

جامعه مدنی به مجموعه نهادها، انجمن‌ها، اتحادیه‌ها و شبکه‌های داوطلبانه‌ای گفته می‌شود که مستقل از دولت و بیرون از روابط خانوادگی برای پیگیری منافع و مطالبات مشترک شهروندان فعالیت می‌کنند. انجمن‌های صنفی، تشکلات کارگری، سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌های علمی، گروه‌های محیط‌زیستی و نهادهای خیریه هر کدام بخشی از این جامعه را تشکیل می‌دهند. وجود چنین نهادهایی برای یک جامعه فقط جنبه تشریفاتی ندارد. آنها می‌توانند مسائل پراکنده شهروندان را به مطالبات مشخص تبدیل کنند، اطلاعات تخصصی در اختیار سیاستگذاران قرار دهند و میان دولت و جامعه ارتباط برقرار کنند. برای مثال، وقتی تحریم‌ها هزینه واردات مواد اولیه را افزایش می‌دهند یک تشکل صنعتی می‌تواند، پیامدهای آن را بر تولید و اشتغال بررسی کند. وقتی محدودیت اینترنت کسب‌وکارهای دیجیتال را با مشکل مواجه می‌کند، انجمن‌های تخصصی می‌توانند، میزان خسارت را محاسبه و راهکارهای جایگزین را پیشنهاد کنند. هنگامی که افزایش قیمت دارو دسترسی بیماران به خدمات درمانی را دشوار می‌کند، انجمن‌های پزشکی و حمایت از بیماران می‌توانند، اطلاعات لازم را گردآوری و برای رفع موانع اقدام کنند. اما چرا چنین ظرفیت‌هایی در ایران به اندازه گسترده‌گی بحران‌ها در عرضه عمومی دیده نمی‌شوند؟ برای مثال، اتاق‌های بازرگانی از مهم‌ترین نهادهای نمایندگی بخش خصوصی هستند. تحریم، جنگ، محدودیت تجارت خارجی و اختلال در نظام بانکی مستقیماً بر فعالیت اعضای این نهادها اثر می‌گذارد. با این حال در فضای عمومی کمتر شاهد کارزارهای مستقل و مستمر آنها برای بررسی و کاهش هزینه‌های انسانی و اقتصادی تحریم هستیم. البته نمی‌توان ادعا کرد که همه تشکلات کاملاً خاموش هستند. برخی از آنها در مقاطع مختلف بیانیه صادر کرده‌اند، هشدار داده‌اند یا در گفت‌وگو با مسئولان، مطالباتی را مطرح کرده‌اند. اما تفاوت مهمی میان صدور یک بیانیه و ایفای نقش مستمر در دفاع از منافع عمومی وجود دارد. جامعه مدنی زمانی کارکرد واقعی خود را نشان می‌دهد که بتواند یک مسئله را شناسایی کند، درباره آن اطلاعات معتبر ارائه دهد، مطالبه مشخصی مطرح کند و تا رسیدن به نتیجه، موضوع را پیگیری کند.

اهمیت اعتراض

اعتراض مدنی به تحریم‌های اقتصادی ایران پدیده تازه‌ای نیست. در سال‌های گذشته، نهادهای مختلف، انجمن‌های تخصصی و سازمان‌های بین‌المللی بارها درباره پیامدهای انسانی تحریم‌ها هشدار داده‌اند. اعتراض ایزابلا جاویدان نیز در ادامه همین سلسبه، قابل بررسی است. او و همراهانش با حضور در یک جلسه رسمی، مسئله‌ای که معمولاً در قالب اختلافات سیاسی و امنیتی میان دولت‌ها مطرح می‌شود را از زاویه زندگی شهروندان عادی به بحث گذاشتند. این اقدام یادآور یکی از کارکردهای مهم جامعه مدنی است: تبدیل پیامدهای انسانی تصمیمات کلان سیاسی و اقتصادی به موضوعی قابل مشاهده و قابل مطالبه. اما چرا جامعه مدنی ایران در برابر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی حضور سازمان‌یافته و مستمری ندارد؟ برای پاسخ به این پرسش باید میان

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

بازگشت به کلاس

بررسی تحولات اقتصادی



بی‌تفاوتی شهروندان و ناتوانی نهادهای مدنی تفاوت قائل شد. ممکن است شهروندان نسبت به مسائل جامعه حساس باشند اما ابزارهای لازم برای بیان جمعی مطالبات خود را در اختیار نداشته باشند. ممکن است اعضای یک تشکل درباره موضوعی اتفاق‌نظر داشته باشند اما سازمان آنها به دلیل محدودیت‌های قانونی، نگرانی از پیامدهای فعالیت یا وابستگی مالی، نتوانند موضعی مستقل اتخاذ کنند.

گزارشی که در مه ۲۰۲۶ درباره وضعیت جامعه مدنی ایران پس از جنبش «زن، زندگی، آزادی» منتشر شد از فرسودگی سازمانی، پراکندگی شبکه‌های مدنی و تضعیف ظرفیت فعالیت جمعی سخن می‌گوید. این گزارش، فشارهای انباشته بر فعالان مدنی و پیامدهای جنگ و بحران‌های سیاسی را از عوامل مؤثر بر وضعیت کنونی جامعه مدنی معرفی می‌کند. یکی از مشکلات اساسی، محدود بودن استقلال نهادی است. تشکلی که برای ادامه فعالیت خود به حمایت مالی، مجوز یا تأیید مستمر نهادهای دولتی وابسته باشد، ممکن است در بیان مطالباتی که با سیاست‌های رسمی تعارض دارند با محدودیت مواجه شود. مشکل دیگر، فرسودگی اقتصادی است. در شرایطی که بنگاه‌ها برای تأمین سرمایه در گردش تلاش می‌کنند، کارگران نگران حفظ شغل خود هستند و خانوارها بخش بزرگی از درآمدهشان را صرف نیازهای اولیه می‌کنند، مشارکت داوطلبانه در فعالیت‌های مدنی دشوارتر می‌شود. بحران اقتصادی می‌تواند ریمان، انرژی و منابع لازم برای فعالیت جمعی را نیز محدود کند. از سوی دیگر تعدد بحران‌ها ممکن است به‌نوعی فرسودگی اجتماعی منجر شود. هنگامی که شهروندان به‌طور مداوم با اخبار افزایش قیمت‌ها، محدودیت‌های تازه، جنگ و نااطمینانی اقتصادی مواجه می‌شوند، ممکن است احساس کنند که توانایی چندانی برای تغییر شرایط ندارند. این وضعیت را می‌توان نوعی عادت به رنج نامید. نه به این معنا که مردم دیگر رنج نمی‌کشند یا نسبت به آن بی‌تفاوت شده‌اند بلکه به این معنا که استمرار بحران‌ها می‌تواند، توانایی واکنش جمعی را کاهش دهد. با این حال نباید سکوت ظاهری را نشانه رضایت یا پذیرش وضعیت موجود دانست. گاهی سکوت حاصل فقدان امکان مشارکت است و گاهی نتیجه این تصور که فعالیت جمعی به نتیجه مشخصی نخواهد رسید. در چنین شرایطی، نهادهای مدنی ممکن است به‌تدریج از نمایندگی مطالبات عمومی فاصله بگیرند و فعالیت خود را به ارائه خدمات محدود کنند. انجمن صنفی به برگزارکننده نشست‌های تخصصی تبدیل می‌شود، تشکل اقتصادی صرفاً مسائل اداری اعضای خود را پیگیری می‌کند و سازمان مردم‌نهاد به جای مطالبه اصلاح سیاست‌های مسئولان، تنها برای کاهش پیامدهای آنها تلاش می‌کند. کمک به آسیب‌دیدگان ضروری است اما جامعه مدنی نمی‌تواند، وظیفه خود را فقط به کاهش آثار بحران‌ها محدود کند. یکی از کارکردهای اصلی آن شناسایی و پیگیری علل ساختاری مشکلات است.

چه باید کرد؟

بازسازی جامعه مدنی ایران بیش از هر چیز به فراهم شدن امکان فعالیت مستقل، قانونی و مستمر نهادهای مدنی نیاز دارد. تشکلات زمانی می‌توانند نماینده واقعی اعضای خود باشند که امکان انتخاب آزادانه مدیران، تأمین منابع مالی مستقل، دسترسی به اطلاعات و

بیان مطالبات بدون نگرانی از برخورد‌های سلبیه‌ای را داشته باشند. در کنار این الزامات، خود نهادهای مدنی نیز با پرسش‌هایی درباره شیوه فعالیت و میزان پاسخگویی به اعضایشان مواجهند. اتاق‌های بازرگانی، انجمن‌های صنفی و سازمان‌های تخصصی می‌توانند به جای محدود کردن فعالیت خود به انتشار بیانیه‌های کلی، گزارش‌های مستند درباره پیامدهای تحریم، جنگ و سیاست‌های اقتصادی تهیه کنند. انتشار منظم اطلاعات درباره کاهش اشتغال، تعطیلی بنگاه‌ها، اختلال در تأمین دارو و افزایش هزینه زندگی می‌تواند به روشن‌تر شدن ابعاد بحران‌ها کمک کند. نکته مهم دیگر، تفکیک دفاع از منافع مردم از حمایت یا مخالفت با دولت‌هاست. مخالفت با پیامدهای انسانی تحریم‌ها لزوماً به‌معنای تأیید سیاست‌های حکومت ایران نیست؛ همان‌طور که نقد سیاست‌های اقتصادی داخلی نیز به‌معنای حمایت از تحریم‌های خارجی نیست. جامعه مدنی می‌تواند هم‌زمان درباره هزینه‌های تحریم، پیامدهای جنگ، محدودیت‌های اقتصادی و تصمیمات نادرست داخلی پرسشگری کند. چنین رویکردی به نهادهای مدنی امکان می‌دهد به‌جای گرفتار شدن در منازعات سیاسی بر حقوق و منافع مشخص شهروندان تمرکز کنند. همکاری میان تشکلات داخل کشور و شبکه‌های مدنی ایرانیان خارج از کشور نیز می‌تواند به انتقال تجربه، انتشار اطلاعات معتبر و طرح مطالبات انسانی در مجامع بین‌المللی کمک کند. البته این همکاری زمانی پایدار خواهد بود که استقلال و امنیت فعالان مدنی حفظ شود. اعتراض ایزابلا جاویدان در کنگره آمریکا بار دیگر توجه‌ها را به مسئله‌ای جلب کرد که سال‌هاست در زندگی ایرانیان حضور دارد. اما اهمیت این اتفاق فقط در ستخان یک زن ایرانی‌تبار نیست؛ در بررسی است که حضور او پیش روی جامعه ایران قرار می‌دهد. چرا در کشوری که میلیون‌ها نفر هر روز با پیامدهای تصمیمات اقتصادی و سیاسی مواجهند، نهادهای نمایندگی‌کننده منافع آنان، نمی‌توانند به همان اندازه در عرصه عمومی حضور داشته باشند؟ پاسخ به این پرسش را باید در وضعیت نهادهای مدنی، میزان استقلال آنها، امکان مشارکت شهروندان و ظرفیت تبدیل مطالبات فردی به کش جمعی جست‌وجو کرد. جامعه مدنی ایران را نمی‌توان مرده دانست؛ اما میان زنده بودن یک جامعه و برخورداری آن از نهادهای مدنی مستقل و اثرگذار، فاصله زیادی وجود دارد. وجود اعتراض‌های فردی، فعالیت‌های داوطلبانه و شبکه‌های غیررسمی نشان می‌دهد که ظرفیت مشارکت اجتماعی از میان نرفته است. مسئله این است که این ظرفیت تا چه اندازه می‌تواند به فعالیت سازمان‌یافته و پایدار تبدیل شود. شاید پرسش اصلی این نباشد که چرا مردم ایران به رنج عادت کرده‌اند؛ بلکه این باشد که چرا نهادهایی که قرار بوده صدای جمعی آنان باشند، در برابر استمرار رنج، توانایی کافی برای نمایندگی مطالباتشان ندارند. جامعه مدنی زمانی کارکرد خود را بازی‌می‌یابد که شهروندان بتوانند درباره مسائل مشترک‌شان گردهم آیند، مستقل از قدرت سیاسی مطالبات خود را بیان کنند و برای حل مشکلات، فعالیتی مستمر و سازمان‌یافته داشته باشند.

ساختاری میان این کشورها نیز باید در تحلیل نتایج در نظر گرفته شود. در آمریکا، ایالت می‌سی‌سی‌پی نمونه قابل‌توجه دیگری است. این ایالت که سال‌ها با فقر و عملکرد آموزشی ضعیف شناخته می‌شد با اجرای اصلاحاتی مبتنی بر آموزش ساختار یافته خواندن، استفاده از روش‌های مبتنی بر شواهد علمی و شناسایی زودهنگام دانش‌آموزان دارای ضعف تحصیلی، پیشرفت چشمگیری در مهارت خواندن دانش‌آموزان ابتدایی داشته است. تجربه می‌سی‌سی‌پی نشان می‌دهد که آموزش مستقیم و منظم مهارت‌های پایه می‌تواند به بهبود عملکرد دانش‌آموزان، به‌ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر، کمک کند. وجه مشترک این تجربه‌ها، اهمیت نقش معلم و ضرورت تسلط دانش‌آموزان بر دانش پایه است. تفکر انتقادی، خلاقیت و یادگیری مستقل مهارت‌هایی ارزشمند هستند اما پرورش آنها بدون برخورداری از دانش کافی دشوار است. دانش‌آموزی که هنوز در خواندن، نوشتن و ریاضیات ضعف دارد ممکن است از آموزش کاملاً مستقل و بدون راهنمایی معلم بهره چندانی نبرد. بنابراین مسئله اصلی یافتن ترکیبی مؤثر از روش‌های آموزشی است. تجربه کشورها یادآوری می‌کند که نوآوری آموزشی، زمانی ارزشمند است که به یادگیری بهتر منجر شود نه صرفاً به این دلیل که با روش‌های گذشته تفاوت دارد.

اول مهر با سایه جنگ

اگر جنگ شد، آموزش مجازی چقدر آماده جایگزینی کلاس‌های حضوری است؟

گروه اجتماعی: با آغاز سال تحصیلی، مدارس در سراسر

کشور به آموزش حضوری بازگشته‌اند؛ اما تجربه تعطیلی مدارس در جریان جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان یک سوال را همچنان باز گذاشته است: اگر دوباره شرایط جنگی ایجاد شود، آموزش و پرورش برای ادامه آموزش چه برنامه‌ای دارد؟ وزیر آموزش و پرورش گفته است در حال حاضر مشکل خاصی برای فعالیت مدارس وجود ندارد و مدارس در سراسر کشور حضوری خواهند بود هرچند در برخی مناطق حاشیه خلیج فارس ممکن است با توجه به شرایط، استناداران تصمیم‌های متفاوتی بگیرند. این درحالی است که کارشناسان آموزشی معتقدند، تصمیم درباره حضوری یا غیرحضوری بودن مدارس در شرایط بحرانی فقط به بازی بسته بودن درِ مدرسه محدود نمی‌شود. مسئله، آمادگی مجموعه آموزش و پرورش برای تصمیم‌گیری سریع، تأمین امنیت، حفظ جریان آموزش و مدیریت فشار اقتصادی بر خانواده‌هاست.

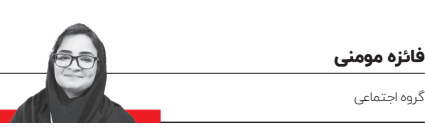
تصمیم‌گیری در روز بحران

مرتضی نظری، تحلیلگر مسائل آموزش و پرورش، تأکید دارد که آموزش باید بعد از تأمین امنیت قرار گیرد. به گفته او، معلمان علاقه‌مند به حضور دانش‌آموزان در کلاس هستند اما اگر قرار باشد در شرایط جنگی آموزش حضوری ادامه

سلامت

دارو در محاصره

از امروز و همزمان با تحریم شدید هوایی واردات دارو با محدودیت‌های گسترده‌تر روبه‌رو خواهد شد



فانزه مومنی

گروه اجتماعی

دیروز انوشیروان محسنی‌بندی، معاون وزیر گردشگری اعلام کرده که رئیس‌جمهور با هوایمای اختصاصی خودش ۱۰ تن مواد اولیه دارو از هند آورده است. در شرایطی که از امروز، همزمان با اجرای دور تازه محدودیت‌های آمریکا علیه صنعت هوانوردی ایران و دشوارتر شدن پروازهای مسافری، بخش مهمی از زنجیره تأمین دارو و مواد اولیه دارویی نیز ممکن است تحت‌تأثیر قرار گیرد. مقام‌های حوزه سلامت در ماه‌های اخیر بارها از دشواری انتقال مواد اولیه، افزایش هزینه حمل‌ونقل و محدودیت مسیرهای بانکی و مالی گفته‌اند؛ در همین حال، واکسن آنفلوآنزا نیز پس از تأخیر در تأمین هنوز به‌طور کامل در شبکه توزیع قرار نگرفته است. وزارت خزانه‌داری آمریکا هشتم سپتامبر ۲۷ شرکت هوایمایی ایرانی و ۹ فرد و شرکت مرتبط با صنعت هوانوردی را تحریم کرد. دامنه این محدودیت‌ها فقط به خود ایرلین‌ها محدود نمی‌شود و خدماتی مانند بیمه، سوخت‌گیری، حمل بار، فروش بلیت، انتقال پول، تهیه غذا و تأمین قطعات را نیز دربر می‌گیرد. اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا گفته است، شرکت‌های هوایمایی ایرانی از ۲۳ سپتامبر، برابر با اول مهر، امکان فعالیت در سراسر جهان را نخواهند داشت. اما اهمیت این تاریخ برای حوزه سلامت در جایی دیگر است: دارو و مواد اولیه‌ای که بخش قابل‌توجهی از آنها از مسیر هوایی وارد ایران می‌شوند.

بیش از ۶۰ درصد واردات پزشکی، هوایی است

براساس داده‌های گمرکی که در گزارش‌های منتشر شده درباره تحریم‌های جدید به آن استناد شده بیش از ۶۰ درصد واردات پزشکی ایران از طریق هوایی وارد کشور می‌شود. این درحالی است که حمل‌ونقل هوایی تنها ۸.۴ درصد کل واردات ایران را تشکیل می‌دهد. به این ترتیب وابستگی کالا‌های پزشکی به مسیر هوایی بسیار بیشتر از میانگین سایر کالا‌های وارداتی است. در سال گذشته میلادی، ارزش واردات دارو، تجهیزات پزشکی و ملزومات پزشکی ایران کمی بیش از ۳ میلیارد دلار و حجم آن حدود ۳۰ هزار تن اعلام شده است. این وابستگی به مسیر هوایی در سال‌های اخیر بیشتر شده است. با

پیدا کند، ابتدا باید از امنیت آن اطمینان حاصل شود. نرگس ملک‌زاده، معلم و کارشناس آموزش نیز درباره واگذاری تصمیم تعطیلی مدارس به آموزش و پرورش معتقد است این اختیار در شرایط عادی می‌تواند، تصمیم‌گیری را سریع‌تر کند اما در شرایط جنگی پرسش‌های دیگری ایجاد می‌شود؛ ازجمله اینکه آیا آموزش و پرورش می‌تواند، مسئولیت چنین تصمیمی را به‌تنهایی برعهده بگیرد؟

این پرسش زمانی جدی‌تر می‌شود که بحران در یک منطقه اتفاق بیفتد اما آثار آن به مناطق دیگر نیز سرایت کند. تجربه جنگ اخیر نشان داد که آموزش و پرورش ناچار است در کنار مسائل آموزشی، شرایط امنیتی و اجتماعی را نیز در تصمیم‌های خود لحاظ کند.

فقط کلاس نیست

مسئله دیگر، دانش‌آموزانی هستند که بعد از تجربه جنگ، بحران‌های اجتماعی و فشارهای اقتصادی دوباره وارد مدرسه شده‌اند. کارشناسان حاضر در گفت‌وگوی خبرآنلاین معتقدند فاصله میان سیاست‌های رسمی آموزش و پرورش و نیازهای نسل جدید افزایش یافته است. نظری می‌گوید، مدارس قدرت آموزش و تربیت بچه‌های این نسل را تا حدی از دست داده‌اند؛ نه به دلیل ضعف معلمان بلکه به دلیل سیاست‌هایی که

خروج تدریجی شرکت‌های بزرگ باربری از بازار ایران، بخشی از محموله‌های پزشکی به قسمت بارپروازهای مسافری منتقل شد. خطوط هوایی بین‌المللی مانند لوفت‌هانزا و امارات نیز در انتقال کالا از مسیرهای مهم اروپایی و منطقه‌ای نقش داشتند. اما تحریم‌ها و جنگ این مسیرها را یکی پس از دیگری محدود کرده است. ایرفرانس و بریتیش ایرویز در سال ۲۰۱۸ پرواز مستقیم خود به تهران را متوقف کردند، لوفت‌هانزا در سال ۲۰۲۵ مسیرهای مونیخ و فرانکفورت به تهران را به حالت تعلیق درآورد و امارات نیز در فوریه ۲۰۲۶ پروازهای خود به ایران را متوقف کرد. در چنین شرایطی، شرکت‌های هوایمایی ایرانی نقش بیشتری در انتقال محموله‌ها پیدا کردند؛ مسیری که اکنون خود در معرض محدودیت‌های گسترده‌تر قرار گرفته است.

مسیر جایگزین، اما گران‌تر

رئیس سازمان غذا و دارو می‌گوید در شرایط فعلی اولویت اصلی تأمین مواد اولیه و استمرار تولید است. مهدی پیرصالحی گفته است، محدودیت‌های حمل‌ونقل باعث شده بخشی از مواد اولیه از مسیرهای ریلی و زمینی منتقل شود و همین تغییر مسیر، هزینه و زمان انتقال را افزایش داده است. به گفته او در برخی موارد هزینه حمل مواد اولیه بین ۶ تا بیش از ۱۰ برابر افزایش یافته است. مسئله فقط گران‌تر شدن هزینه حمل نیست. برخی مواد اولیه اساساً امکان جابه‌جایی آسان از مسیرهای جایگزین را ندارند. محمد عبده‌زاده، رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی ایران، گفته است بخشی از مواد مورد استفاده در داروهای مخدر و داروهای اعصاب و روان باید طبق مقررات بین‌المللی به شکل مستقیم حمل شوند. به گفته او، نبود پرواز مستقیم از هند، تأمین این اقلام را دشوار کرده و برخی مواد اولیه خاص و قابل اشتعال نیز فقط باید از مسیر دریایی منتقل شوند. در مورد هند نیز مسئله اصلی لزوماً فروش دارو یا مواد اولیه نیست. رئیس سازمان غذا و دارو گفته است باید میان «تأمین» و «انتقال» تفاوت گذاشت؛ هند در حوزه تأمین همکاری داشته اما مشکل اصلی شرایط حمل‌ونقل بین‌المللی بوده است. ایران و هند مسیر زمینی مستقیم ندارند و در شرایط جنگ، حمل دریایی نیز با محدودیت مواجه شده است. در نتیجه، محموله‌ای که پیش‌تر ممکن بود ظرف چند هفته به‌دست تولیدکننده برسد، در برخی موارد اکنون چند ماه در مسیر می‌ماند.

به اعتقاد او با شرایط نسل جدید فاصله دارند. ملک‌زاده نیز بر تغییر سرعت مطالبات دانش‌آموزان و عقب ماندن ساختار آموزش و پرورش از این تغییر تأکید می‌کند. در این میان آموزش مجازی هم نمی‌تواند صرفاً یک جایگزین اضطراری برای کلاس حضوری باشد. تجربه سال‌های گذشته، نشان داد که انتقال کلاس از مدرسه به یک پلتفرم به‌تنهایی آموزش غیرحضوری ایجاد نمی‌کند. محتوای مناسب، اینترنت، دسترسی خانواده‌ها، توان معلم و امکان همراهی والدین همگی در کیفیت آموزش مجازی نقش دارند.

ضلع دیگر بحران

اگر جنگ دوباره باعث تعطیلی مدارس شود، فشار فقط بر نظام آموزشی وارد نخواهد شد. خانواده‌ها نیز باید هزینه و زمان بیشتری برای آموزش فرزندان خود اختصاص دهند. این مسئله در شرایطی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که هزینه تحصیل برای بخشی از خانواده‌ها به یکی از دغدغه‌های

تولید داخل هم بدون واردات کامل نیست

ایران بخش قابل‌توجهی از داروهای مورد نیاز خود را در داخل تولید می‌کند. رئیس سازمان غذا و دارو نیز تولید داخلی را مطمئن‌ترین مسیر برای استمرار تأمین دارو دانسته و گفته است تولیدکنندگان، با وجود آسیب‌های ناشی از جنگ، به‌صورت ۲۴ ساعته فعالیت می‌کنند. اما تولید داخلی به‌معنای بی‌نیازی از خارج نیست. تولیدکنندگان مواد اولیه می‌گویند بخشی از مواد حد واسط و حلال‌های مورد نیاز تولید داخلی همچنان وارداتی است و بخش مهمی از آنها از چین تأمین می‌شود. بنابراین اختلال در تجارت خارجی می‌تواند از مرحله تأمین ماده اولیه تا تولید داروی نهایی ادامه پیدا کند. همزمان انتقال ارز نیز به یکی از گلوگاه‌های این زنجیره تبدیل شده است. به گفته مقام‌های حوزه سلامت، منابع ارزی برای دارو اختصاص یافته اما انتقال پول و جابه‌جایی منابع با مشکلات جدی مواجه است. محمدرضا ظفرقندی، وزیر بهداشت، ۳۱ شهریور گفت دسترسی به منابع مالی، نقل‌وانتقال ارز و مسیرهای حمل‌ونقل هوایی و دریایی دارو طی ماه‌های گذشته با محدودیت‌های شدیدی روبه‌رو بوده است. او در عین حال گفت با فعال شدن مسیرهای جایگزین، کمبود اقلام دارویی اساسی از ۶۴ قلم به حدود ۳۲ قلم کاهش یافته است. این آمار نشان می‌دهد، بخشی از کمبودها کنترل شده اما زنجیره تأمین همچنان به مسیرهایی وابسته است که محدودیت در آنها می‌تواند، دوباره وضعیت را تغییر دهد.

ذخیره‌ای که کوچک‌تر شده است

نگرانی اصلی اکنون فقط درباره محموله‌ای نیست که امروز باید به کشور برسد؛ مسئله به ذخایر موجود نیز مربوط است. همایون سامه‌یح‌نجف‌آبادی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس گفته است، ذخایر دارویی و دپوی موجود در داروخانه‌ها، شرکت‌های پخش و کارخانه‌ها نسبت به ۳ یا ۶ ماه قبل کاهش پیدا کرده است. رئیس سندیکای صاحبان صنایع داروهای انسانی نیز هشدار داده است اگر اختلال در حمل‌ونقل مواد اولیه ادامه پیدا کند باید نسبت به ماه‌های آینده نگران بود. در همین شرایط زنجیره تأمین واکسن آنفلوآنزا نیز با تأخیر مواجه شده است. سخنگوی سازمان غذا و دارو ۳۰ شهریور گفت هنوز هیچ واکسن آنفلوآنزایی به‌طور رسمی میان مردم توزیع نشده و پیش‌بینی شده ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار دوز واکسن تأمین شود. او تأخیر دوماهه در سفارش واکسن را تأیید کرده و گفته است برخی کشورهای اروپایی در تأمین واکسن همکاری نکرده‌اند. وزارت بهداشت در نهایت به سراغ منابعی در چین و روسیه رفته است. این تأخیر درحالی رخ داده که وزارت بهداشت با آغاز پائیز انتظار شکل‌گیری موج‌های آنفلوآنزا را مطرح کرده است. حدود یک میلیون دوز برای گروه‌های پرخطر در نظر گرفته شده و قرار است واکسن بخش خصوصی نیز در داروخانه‌ها عرضه شود.



شود. این وضعیت در صورت بازگشت آموزش غیرحضوری با هزینه اینترنت و تجهیزات آموزشی نیز همراه خواهد شد.

دانش‌آموزی که شاید مدرسه را ترک کند

بحران اقتصادی پیش از آنکه جنگ، دوباره آموزش را تحت‌تأثیر قرار دهد، بخشی از خانواده‌ها را با مسئله دیگری روبه‌رو کرده است: ادامه تحصیل یا ورود زود هنگام فرزند به بازار کار. ملک‌زاده از دانش‌آموزانی می‌گوید که شرایط اقتصادی خانواده بر تصمیم آنها برای ادامه تحصیل اثر گذاشته است. به گفته او، هزینه‌هایی مانند لباس فرم، کتاب و لوازم التحریر برای برخی خانواده‌ها سنگین است و حتی دانش‌آموزانی وجود دارند که با وجود مشکلات معیشتی همچنان به مدرسه می‌آیند. در چنین شرایطی، جنگ می‌تواند مجموعه‌ای از فشارهای موجود را روی هم قرار دهد؛ از اختلال در آموزش حضوری و ضرورت آموزش مجازی گرفته تا افزایش هزینه‌های خانواده و کاهش انگیزه تحصیل.

شهر

روزهای سخت ترافیک

در روزهای نخست مهر

حدود ۳۰ درصد ترافیک افزایش می‌یابد

با بازگشایی مدارس، تهران از امروز وارد یکی از پرتراфик‌ترین دوره‌های سال می‌شود؛ دوره‌ای که براساس برآورد پلیس راهور، حجم تردد در شهر حدود ۳۰ درصد افزایش پیدا می‌کند. برای کنترل این موج مجموعه‌ای از محدودیت‌ها و تهیدات ترافیکی از اول تا هشتم مهرماه اجرا خواهد شد؛ از ممنوعیت تردد ناوگان باری در ساعات اوج صبح تا توقف عملیات عمرانی و افزایش فعالیت حمل‌ونقل عمومی.

براساس مصوبات شورای ترافیک، خودروهای باری از ساعت ۶ تا ۱۰ صبح اجازه تردد در معابر اصلی تهران را ندارند و پلیس ۹۵ محل را برای توقف این خودروها شناسایی کرده است. این محدودیت شامل وانت‌بارها، خودروهای حمل اثاث و بخشی از ناوگان توزیع کالا نیز می‌شود. همچنین عملیات عمرانی جدید یا پروژه‌هایی که موجب اشغال سواره‌رو و اختلال در عبور و مرور شوند، در این ۸ روز متوقف خواهند شد. برگزاری نمایشگاه‌های داخلی و خارجی در محل نمایشگاه بین‌المللی تهران نیز ممنوع است.

مدارس یکی دیگر از نقاط تمرکز پلیس خواهد بود. از میان ۴ هزار و ۴۹۰ مدرسه تهران، ۲۶۰ مدرسه در مجاورت بزرگراه‌ها و راه‌های اصلی و ۳۵۰ مدرسه در نقاط مهم و پرتردد شهر قرار دارند. پلیس از ۳۱ شهریور تا ۱۵ مهر در آمادہ‌باش قرار گرفته و نیروهای خود را در مدارس و ۸۷ گلوگاه اصلی شهر مستقر می‌کند.

همزمان، فعالیت مترو و اتوبوسرانی از ساعات ابتدایی صبح آغاز می‌شود و اتوبوس‌های تددو به‌صورت شبانه‌روزی فعال خواهند بود. با این حال سهم فعلی حمل‌ونقل عمومی از سفرهای تهران تنها ۲۲ درصد اعلام شده؛ رقمی که پلیس آن را در برابر سهم مطلوب ۵۲ درصدی ناکافی می‌داند. در کنار این اقدامات درباره مدت ممنوعیت استفاده از سهمیه ۲۰ روزه محدودده کاهش آلودگی هوا نیز دو روایت متفاوت از سوی مسئولان شهری مطرح شده و اجرای دورکاری کارکنان نیز همچنان به دریافت مجوزهای لازم وابسته است.

